

کارگران و

ملیت های تحت ستم در آستانه اول ماه مه
ارژنگ بامشاد
بقیه در صفحه 3

اول ماه مه ؛

و فوری ترین خواسته های طبقه کارگر ایران
یوسف لنگرودی
بقیه در صفحه 5

باز هم در مورد هدفمند شدن یارانه ها
دیدگاه های متفاوت
صادق افروز
بقیه در صفحه 17

قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر
(تشکل های کارگری ایران)
بقیه در صفحه 12

در آستانه روز جهانی کارگر فعال سندیکایی
شرکت واحد تهران به زندان محکوم شد
بقیه در صفحه 2

اطلاعیه شماره ۲ کمپین ۲ میلیون امضا
بر علیه مجازات اعدام /
تعداد سایتها و نهادهای حامی کمپین از مرز ۴۰ گذشت
بقیه در صفحه 14

بیانیه کانون نویسندگان ایران:
اول ماه مه، روز جهانی کارگر گرامی باد! بقیه در صفحه 7

منطقی زورمندانه بدون دیدگاهی استراتژیک
جنگ های بی پایان اسرائیل
Jean Paul CHAGNOLLAUD
برگردان مجتبا مفیدی
بقیه در صفحه 19

مرز ماجراجویی های گستاخانه اسرائیل تا کجاست؟
یوسف لنگرودی
بقیه در صفحه 15

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان

به مناسبت روز جهانی کارگر

اول ماه مه را به روز فریاد

درد مشترک تبدیل کنیم
بقیه در صفحه 2

بیانیه رسمی شماره 1 و 2
شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89
روز جهانی کارگر، حلقه مفقوده ی مبارزات
بقیه در صفحه 5 و 6

روز جهانی کارگر، حلقه مفقوده ی مبارزات بقیه در صفحه 7

اول ماه مه روز کیفر خواست کارگران ،
علیه نظام سرمایه داری است!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور
بقیه در صفحه 8

28 آوریل (8 اردیبهشت) روز جهانی همدردی با
کارگران آسیب دیده در محیط کار را گرامی می داریم
بقیه در صفحه 11

وبلاگ رادیو راه کارگر
اعتصاب معلمان برای آزادی و برابری!
گسترش سرکوب در آستانه روز جهانی کارگر! بقیه در صفحه 9 و 10

سرود انترناسیونال - لندن مجموعه آثار، انگلیسی
بقیه در صفحه 11

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر
به مناسبت روز جهانی کارگر، بقیه در صفحه 8

زنده باد اول ماه مه!

قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر
بقیه در صفحه 13

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر اول ماه مه را به روز فریاد درد مشترک تبدیل کنیم



اخراج کارگران می زنند تا از این طریق هزینه های واحد اقتصادی شان را کاهش دهند. شدت این امر به گونه ای است که تنها در دو سال گذشته در شهر صنعتی قزوین حدود ۱۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده و حدود ۶۰ هزار کارگر بلا تکلیف گشته اند. مقاومت در برابر اخراج ها نیز در سال ۱۳۸۸ یکی از عرصه های مبارزات کارگری بوده است که حدود ۶۰ اعتراض کارگری گزارش شده است.

مشکل کارگران قراردادی هم چنان پابرجاست. این کارگران که به عنوان کارگران قرارداد سفید امضاء نیز معروفند، اساساً از امنیت شغلی برخوردار نیستند. انتظاری روزانه و کشنده و نگرانی از اخراج، آن ها را مجاله کرده است. کارگرانی که که تحت شمول قانون کار نیستند و در بی حقی مطلق بسر می برند. این وضعیت هر نوع تلاش برای برنامه ریزی آینده را از آن ها سلب می کند. طبق آمار منتشر شده، در طول فعالیت دولت احمدی نژاد نه تنها تعداد کارگران قراردادی کاهش نیافته بلکه سهم ۷۰ درصدی این بخش از کارگران از کل جامعه کارگری به ۸۰ درصد افزایش یافته است.

خارج کردن بخش وسیعی از کارگران از پوشش قانون کار رژیم، قانون کاری که عموماً از حقوق کارگران نیز به خوبی دفاع نمی کند، خود مصیب دیگری است. طبق آمار منتشر شده که تنها تا سال ۱۳۸۶ را در بر می گیرد ۵۱ درصد جمعیت کارگری کشور در کارگاه های کوچک زیر ۱۰ نفر مشغول به کار هستند که طبق ماده ۱۹۴ قانون کار، این کارگاه ها از شمول قانون کار خارج شده اند. این بدان معناست که آن ها در بی حقی کامل بسر میبرند.

حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری همچنان یکی از خواست های کلیدی است. زیرا بدون متشکل شدن نمی توان کاری از پیش برد. واقعیت این است که در کشوری که دولت، حامی سرمایه داران است و قانون علیه کارگران است، کارگران پراکنده و غیرمتشکل، به ارتش بدون سلاح می مانند که پیشاپیش جنگ را باخته اند. از این رو تلاش برای متشکل شدن، اولین گامی است که کارگران می توانند برای دفاع از حقوق حقه خود انجام دهند. روشن است که متشکل شدن در گام اول تنها می تواند حول خواست های بیواسطه و ملموس کارگران صورت گیرد. سازماندهی تشکل های صنفی و سندیکا، این امکان را به کارگران می دهد که متحداً از حقوق خود دفاع کنند. از این رو باید تاکید کرد که می توان و باید متشکل شد. حتی بصورت غیررسمی و نیمه علنی باید متشکل شد. در صورت متشکل شدن می توان حمایت از کارگران پراکنده و جدا از هم را که یکی دیگر از مشکلات جامعه کارگری است، سازمان داد. و این نیروی پراکنده را به جمع اردوی کار و زحمت جذب کرد. اکنون که نمونه های درخشانی از متشکل شدن کارگران در کشور وجود دارد باید در این راه با قدرت گام برداشت. هر چند هستند عده ای که تشکل سندیکایی کارگران را به هیچ می انگارند و برای خلع سلاح کارگران از هیچ نسخه پیچی دریغ نمی ورزند. مجموعه این مشکلات بر متن شرایط بحرانی اقتصادی جریان دارد. بحرانی که با طرح هدفمندکردن یارانه ها یعنی طرح دستبرد سازمان یافته به قدرت خرید مردم و تلاش برای ارزان کردن نیروی کار، شکل انفجاری بخود خواهد گرفت. وقتی دولت اسلامی حمله همه جانبه ای در سطح بزرگ و گسترده ای به سفره ی مردم سازمان داده است، عدم سازماندهی مقاومت در برابر آن می تواند عواقب خطرناکی در پی داشته باشد.

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر می رویم که یازده م اه از خروش مردم ایران با فریاد "مرگ بر دیکتاتور" می گذرد. اردوی کار و زحمت در حالی به اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) نزدیک می شود که جنبش ضد استبدادی کشور، تمامی ارکان حکومت اسلامی را لرزانده؛ شکاف در میان بالایی ها را به اوج رسانده؛ چهره کریه، ددمنش و وحشی دس تگاه سرکوب ولایت را در جلو چشمان جهانیان رسوا کرده است. مردم ایران برای رسیدن به آزادی و برابری شهدای بیشماری تقدیم کرده و جوانانشان در شکنجه گاه های قرون وسطانی حکومت اسلامی، درد و رنج فراوانی را متحمل شده و در اردوگاه های مرگ اسلامی به شهادت رسیده اند. پس میدان رویارونی امسال، میدان سال های پیش نیست. امسال طبقه کارگر تنها نیست. آن ها که خود جزئی از جنبش ضد استبدادی کشورند، حالا تمامی مردم را در کنار خود دارند. زنان، جوانان، روشنفکران، مردم کوچه و بازار، مردم ملیت های تحت ستم و تمامی آن هانی که فریاد "مرگ بر دیکتاتور" سر می دهند و برای زندگی شایسته شان انسانی مبارزه می کنند، در کنار اردوی کار و زحمت هستند.

امسال هم در شرایطی به استقبال اول مه می رویم که مسنله حقوق معوقه هنوز هم مهترین مشکل کارگران است. در اکثر حرکت های کارگری، بازپرداخت حقوق معوقه، شعار و خواست اصلی است. این دردآور است که بدانیم بسیاری از کارگران کارخانه ها و کارگاه ها، معلمان و حتی بازنشسته گان که از حقوق های پانینی نیز برخوردارند، حتی همین چندرغاز حقوق را نیز به موقع دریافت نمی کنند و برای گرفتن حقوق و مزد کارشان نیز باید ماه ها به دنبال کا رفرما و سرمایه دار بدونند و یا دست از کار بکشند به گونه ای که تنها در سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۵۰ حرکت اعتراضی برای دریافت حقوق معوقه گزارش شده است.

اخراج ها روز به روز شدیدتر می شوند؛ جلوگیری از اخراج یکی از مهمترین خواست ها و موتور اصلی بسیاری از حرکت هاست. در شرایطی که بحران اقتصادی گسترش می یابد و سیاست دولت حمایت از تجار و واردکنندگان کالا است، بسیاری از کارفرمایان یا مبادرت به تعطیل کارخانه می کنند یا دست به

اول ماه مه و ارانه قطع نامه مشترک حاوی اصلی ترین خواست های جامعه کارگری که با هماهنگی تشکل های گوناگون مستقل کارگری انجام گرفته، اقدامی امیدبخش است . تلاش برای گردآوری بیشترین نیروی کارگران و گرامیداشت هر چه باشکوه تر این روز، در گام اول، تلاشی است برای متحد کردن و گرد هم آوردن بیشترین نیروی درونی خود طبقه کارگر . روشن است که همکاری و حمایت از حرکت هایی که از سوی گرایشات مختلف درون طبقه کارگر صورت می گیرد می تواند به وحدت طبقاتی طبقه کمک شایانی بنماید . بدون پذیرش پلورالیسم سیاسی درون طبقه کارگر نمی توان همه ی توان کارگران را به میدان آورد . هر نوع تلاشی برای تک روی و کنار زدن دیگران و انحصارطلبی تنگ نظرانه، امکانات بالقوه کارگران را به هدر خواهد داد . از سوی دیگر، در شرایط سیاسی ای که جامعه امروز ایران در آن قرار دارد، نمی توان بدون تلاش برای جلب همکاری، همدلی و همبستگی دیگر اقشار زحمت کش و زیر ستم جامعه ، خواست ها و مطالبات کارگری را به گسترده ترین وج هی بیان داشت . اکنون که شورای هم آهنگی تشکل های صنفی معلمان سراسر کشور برای تحقق خواست های خود، و گرامیداشت روز معلم یک هفته اعتصاب غذا اعلام کرده است، بر تشکل های کارگری است که از این حرکت حمایت کنند و از مردم آزادیخواه بخواهند که از خواست های معلمان و کارگران پشتیبانی کنند . در کنار هم قرار گرفتن کارگران و معلمان بعنوان اردوی زحمتکشان، بی شک حمایت و پشتیبانی زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم را نیز جلب خواهد کرد . فراموش نباید کرد که جنبش کارگری در کشوری که نیمی از جمعیت فعال آن را زنان تشکیل می دهند، که خود آشنفانی فعال زیر پای جمهوری اسلامی هستند و هفتاد درصد جمعیت آن را جوانان تشکیل می دهند، که فریاد "مرگ بر دیکتاتور" شان گوش فلک را کر کرده است، و کشور کثیرالمثله ای که ملیت های تحت ستم ، مبارزه سازمانیافته و درخشانی را به پیش می برند و هر روز جوانانشان توسط ستمگران اسلامی به چوبه های دار آویخته می شوند، بدون همسویی و هم پیوندی با این سه نیروی قدرتمند اجتماعی، نمی توان تحولی جدی در سرنوشت کشور ایجاد کرد . نباید فراموش کرد که این هم سرنوشتی اردوی کار و زحمت، با جنبش زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم، از آن رو ا هم یت دارد که توجه کنیم که اکثریت جمعیت این سه نیروی اجتماعی، خود به اردوی کار و زحمت تعلق دارند و غالباً جزو مظلوم ترین بخش های طبقه کارگر به حساب می آیند . هم گامی و هم راهی این نیروهاست که می تواند به پیوند جنبش مطالباتی برای برابری و جنبش عمومی سیاسی برای آزادی کمک شایانی بنماید.

از این روست که اول ماه مه امسال را باید به روز فریاد درد مشترک تبدیل کرد . باید آن چنان اقدامی سازمان داد که این روز نیز به یکی از روزهای ماندگار جنبش ضداستبدادی و آزادی خواهانه و برابری طلبانه مردم کشور تبدیل شود . باید تعطیلی این روز را به رژیم شکنجه و اعدام، به رژیم استثمار و چپاول تحمیل کرد . می توان با دست از کار کشیدن، واحدهای صنعتی، تولیدی و خدماتی را به تعطیلی کشاند و به برگزاری اول ماه مبارت کرد . می توان در گردهم آنی های اعلام شده اعتراضی به مناسبت این روز شرکت کرد و دیگران را به حضور گسترده در مبارزات و جشن جهانی اول مه دعوت کرد . باید ارتش متحدی بسیج کرد و در روز اول ماه مه ، زمین زیر پای استبداد حاکم را لرزاند و به آن ها نشان داد که جنبش ضداستبدادی مردم کشور نه تنها به پایان نرسیده، بلکه با پیوند با جنبش مطالباتی برابری طلب به نیروی قدرتمند تغییرات بنیادی تبدیل خواهد شد . سازمان ما، با تبریک فرارسیدن اول ماه مه ، روز جهانی کارگر، پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران و معلمان اعلام

داشته و در راه همبستگی مبارزاتی این اردوی کار و پیوند مبارزاتی این اردو با مبارزات ضداستبدادی سر اسر کشور، از هیچ تلاشی دریغ نخواهد ورزید . بدون ایجاد پیوندی استوار میان مبارزات عمومی سیاسی ضداستبدادی با مبارزات مطالباتی اردوی کار و زحمت، نمی توان سد مقاومت دامنشانه دستگاه ولایت را در هم شکست . در این راه با تمام قوا تلاش کنیم.

زنده باد اول ماه روز همبستگی جهانی ارتش کار

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۰

در آستانه روز جهانی کارگرفعال سندیکایی

شرکت واحد تهران به زندان محکوم شد

در آستانه روز جهانی کارگر موجی از دستگیریها، احضارها به ستاد پیگیری وزارت اطلاعات، دادگاه انقلاب ، پرونده سازی جدید و صدور احکام غیر انسانی آغاز شده است . در روزهای اخیر فعال سندیکایی شرکت واحد همایون جابری در شعبه 14 دادگاه انقلاب به 1 سال حبس تعزیری به مدت 3 سال تعلیقی محکوم شد . در روزهای اخیر آقای همایون جابری از فعالین سندیکایی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه به حکم سنگین و غیر انسانی 1 سال زندان قطعی به مدت 3 سال تعلیقی در شعبه 14 دادگاه انقلاب تهران توسط فردی بنام محمد تقوی محکوم شد . آقای جابری روز 11 اسفند ماه محاکمه شد و در آستانه روز جهانی کارگر برای ایجاد رعب و وحشت در بین کارگران به او ابلاغ گردید .

اتهامات نسبت داده شده توسط محمد تقوی رئیس شعبه 14 دادگاه انقلاب به قرار زیر می باشد: 1- اجتماع و تلبانی بقصد برهم زدن امنیت کشور 2- فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران 3- اخلاص در نظم عمومی با توجه به محتویات پرونده من جمله گزارش نیروی انتظامی مبنی بر دستگیری مشارالیه در محل وقوع جرم بتاريخ 88/2/11 در پارک لاله.

فعال کارگری همایون جابری 11 اردیبهشت ماه سال گذشته برای گرامیداشت روز جهانی کارگر دو ساعت قبل از برگزاری مراسم توسط یک سرگرد پاسدار پلیس امنیت در بیرون از پارک لاله دستگیر شد . او ابتدا به کلانتری 148 و سپس به بند 240 زندان اوین منتقل گردید . آقای جابری چند هفته در بند 240 زندان اوین تحت فشارهای روحی قرار داشت .

از آنجایی که ایران عضو سازمان جهانی کار می باشد و این مسئله رژیم را موظف به اجرای تمامی قوانین بین المللی کار می کند و از جمله آنها ایجاد شرایط آزادانه و امکانات لازم برای گرامیداشت روز جهانی کارگر که یکی از روزهای ثبت شده جهانی است و موظف به اجرای آن است و هرگونه کارشکنی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر نقض قوانین جهانی است محسوب می شود . از طرفی دیگر سازمان جهانی کار که وظیفه اصلی و مبرم آن نظارت بر اجرای قوانین جهانی کار در کشورهای عضو خود می باشد و کشورهای که قوانین بین المللی کار را رعایت نمی کنند باید اقدامات لازم را علیه آنها بکار گیرد . متأسفانه سازمان جهانی کار بدلیل تسامح در مسنولیتهای خود تا به حال منجر به دستگیری و زندانی شدن تعداد زیادی از فعالین کارگری در ایران شده است . و کارگران ایران را در شرایط قوانین قرون وسطانی قرار داده است .

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران ، دستگیریها، احضارها، پرونده سازی جدید، محاکمه و صدور احکام غیر انسانی در آستانه روز جهانی کارگر برای ایجاد رعب و وحشت در ایران را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و سازمان جهانی کارخواستار پایان دادن به سکوت خود در مقابل سرکوبهای سیستماتیک و سازمان یافته علیه مردم ایران است . آوریل 28، 2010 فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

کارگران و

ملیت های تحت ستم در آستانه اول ماه مه

ارژنگ بامشاد

با اوج گیری جنبش ضد استبدادی مردم ایران در سال گذشته، جایگاه جنبش کارگری و جنبش ملیت های تحت ستم در این جنبش و رابطه ی این جنبش ها با یکدیگر به امر بحث انگیزی تبدیل شده است. در مباحثات ماه های پیشین بسیاری از فعالین جنبش های ملیت های تحت ستم نسبت به کم توجهی جنبش ضد استبدادی به جنبش ملیت های کشور با دیدی انتقادی واکنش نشان داده بودند. روشن است که این امر در زمینه رابطه جنبش ملیت های تحت ستم و جنبش کارگری نیز مطرح خواهد بود. توجه ویژه به ارتباط مبارزاتی جنبش کارگری با جنبش ملیت های تحت ستم و ارتباط این دو با جنبش ضد استبدادی و سراسری مردم، در شرایط کنونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جنبش کارگری در کشوری کثیرالملله، نقش ویژه ای در ایجاد انسجام درونی و پیوند داوطلبانه ی خلق های کشور بر عهده دارد. امروز بر کسی پوشیده نیست که اگر جنبش کارگری بخواهد با توان و قدرت برای گسترش دموکراسی و احقاق حقوق خود مبارزه کند و در این راه موفق شود نمی تواند از جنبش های گوناگون اجتماعی صرف نظر کند. پیوند و همبستگی جنبش کارگری با جنبش ضد استبدادی سراسری، با مبارزات خلق های تحت ستم؛ با جنبش زنان و با جنبش جوانان بی شک، نه تنها جنبش عمومی علیه استبداد و برای دنیایی بهتر را تقویت خواهد کرد بلکه خود این جنبش را از توان پیشروی بیشتر و قدرت مقاومت گسترده تری برخوردار خواهد ساخت. فراموش نباید کرد که کارگران ملیت های ساکن کشور با هزاران رشته با همدیگر پیوند خورده و در تماسی دائمی هستند و هم سرنوشتی شان نیز این پیوندها را مستحکم تر می کند. این هم سرنوشتی بدان معناست که کارگران فارس و آذری و بلوچ و کرد و ترکمن و عرب؛ نه تنها توسط بورژوازی به طور عموم استثمار می شوند بلکه اکثر کارگران آذری توسط سرمایه داران آذری استثمار می شوند؛ یا کارگران و زحمتکشان بلوچ توسط خوانین و ملاکین بلوچ استثمار می شوند در مورد دیگر ملیت ها نیز وضع به همین منوال است. از این روست که کارگران ملیت های گوناگون کشور که توسط بورژوازی خودی استثمار می شوند احساس همبستگی بیشتری با کارگران دیگر ملیت ها خواهند داشت تا با بورژوازی خودی. از سوی دیگر به دنبال در هم ریختن مناسبات تولیدی در مناطق سکونت ملیت های تحت ستم و عدم جذب نیروهای رها شده برای بازار کار، بخش وسیعی از نیروی کار این مناطق برای یافتن کارهای فصلی و موقتی و یا دائم راهی شهرهای بزرگ صنعتی شده اند. از این رو در بسیاری از شهرهای کش ور با تعداد وسیعی از کارگران آذری، کرد، بلوچ و .. روبرو هستیم که در کارهای کشاورزی، ساختمان سازی و یا در کارخانه ها و یا کارگاه ها مشغول به کارند. این نیروی گسترده کار، به دلیل خصلت کارش با کارگران دیگر مناطق در تماس دائمی قرار دارد و زمینه ی هم سرنوشتی و پیوندهای وسیع تر را فراهم آورده است.

به دلیل چنین پیوند طبیعی و گسترده ای زمینه مناسبی برای کارگران فراهم شده که می توانند با قدرت از دموکراسی دفاع کرده و عاملی برای گسترش همبستگی طبقاتی گردند. تلاش در این راستا بدون حمایت قاطع جنبش کارگری از خواست ملیت های تحت ستم کشور برای احقاق حقوق خود امکان پذیر نیست. محوری ترین خواست خلق های تحت ستم کشور، به رسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت حتی به قیمت جدانی است. تنها از طریق به رسمیت شناخته شدن چنین حقی است که می توان به ظلم و ستمی که بر نیمی از جمعیت کشور روا می شود پایان داد. فراموش نباید کرد که هم اکنون نیمی از جمعیت کشور کثیرالملله ی ایران نمی توانند و اجازه ندارند به زبان مادری خود بخوانند و بنویسند و آموزش ببینند، آن ها عموماً در بدست آوردن مقامات اداری و دولتی مورد تبعیض شدید واقع می شوند؛ تا چه رسد به اداره ی استان های خود توسط نیروهای محلی مجرب و خیره ای که فراوانند. مردم مناطق ملی حتی در بدست آوردن امکانات دولتی در امور اقتصادی با مشکلات جدی روبرو می شوند. فراموش نکنیم که در ایران، تبعیض علیه ملیت های تحت ستم به حدی است که در رادیو و تلویزیون سراسری و حتی محل ی گوینده یا مجری برنامه ای یافت نمی شود که فارسی را با لهجه صحبت کند. زیرا تبعیض جاافتاده به حدی است که سخن گفتن با لهجه بویژه در رسانه های سراسری، کفر ابلیس است. از این رو مسئله ستم بر ملیت های ساکن کشور، امری نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت. تبعیض ملی

واقعی است انکارناپذیر و تلاش برای از بین بردن آن یکی از مهمترین ارکان مبارزه برای دموکراسی در ایران است. از یاد نباید برد که تبعیض و تحقیر ملیت های تحت ستم بیش از هر کس در مورد کارگران و مردم زحمتکش روا داشته می شود. از این زاویه نیز کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم در از بین بردن این تبعیض و تحقیر منافع جدی دارند و همین امر نیز نیروی بالقوه دفاع از دموکراسی را گسترده تر می سازد. جنبش کارگری به عنوان استوارترین نیروی مدافع دموکراسی اگر نتواند از این خواست دموکراتیک ملیت های تحت ستم قاطعانه دفاع کند این خط ر پیش می آید که به همبستگی طبقاتی کارگری لطمات جبران ناپذیری وارد شود زیرا این کارگران ملل ی تحت ستم هستند که بیش از دیگران از این تبعیض و ستم رنج می برند و از سوی دیگر این خواست بر حق، می تواند مورد بهره برداری نیروهای ضد دموکراتیک و قدرت های خارجی قرار گیرد. در این عرصه جنبش کارگری تنها نیروی است که با گرد هم آوردن کارگران و زحمتکشان ملیت های مختلف ایران می تواند خطر نیروهای مترجم در میان خلق ها را کاهش دهد و از نقش مخرب آن ها بکاهد. جنبش خلق های تحت ستم که برای در هم شکستن ظلم و اجحاف نهادی شده و حمایت شده از سوی دولت مرکزی و انواع و اقسام نگرش های شوونیستی و ناسیونالیستی حمایت می شود، از یک سو عمدتاً تحت نفوذ یا رهبری بورژوازی محلی و از سوی دیگر مورد توجه بورژوازی بین المللی است. نگاهی به وضعیت خلق های تحت ستم کشور نشان می دهد که اوضاع امروزی تا چه حد می تواند خطرناک باشد. جنبش ملی در حال حاضر تحت فشار و سرکوب شدید استبداد مذهبی قرار دارد. هر حرکت و مبارزه ملی گرایانه اش به اتهام تجزیه طلبی و همسویی با بیگانگان سرکوب می شود. تعداد جوانان به دار آویخته شده ملیت های تحت ستم گواه این سیاست سرکوبگرانه است. اما همین سرکوب حقوق و هویت ملی خود به خود همبستگی و هویت ملی را در میان خلق های تحت ستم تقویت می کند و هر تأکیدی بر همبستگی ملی، خواه نا خواه نقش نیروهای بورژوازی محلی در جنبش را تقویت می کند. اما بورژوازی محلی برای گسترش مقاومت در برابر سرکوب دولت مرکزی، از یک طرف روی افتراقات ملی و مذهبی تکیه می کند و از سوی دیگر از دست دراز کردن به سوی بورژوازی بین المللی و طلب کمک از آن هراسی ندارد و گاه از آن استقبال نیز می کند. از همین روست که امپریالیسم آمریکا در راستای اهداف سلطه طلبانه ی خود در ایران، روی مسئله ی ملیت های تحت ستم، سرمایه گذاری عظیمی کرده و بودجه های کلانی اختصاص داده است. دولت آمریکا به دنبال اشغال عراق و افغانستان و برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی، جنگ اعلام نشده ای را از طریق مناطق ملی آغاز کرده است. تحرکات نیروهای آمریکایی در میان نیروهای آذری، کرد، عرب و بلوچ امر پوشیده ای نیست.

آمریکائیان چه در مورد ایران و چه در مورد عراق و حتی در مورد افغانستان و پاکستان اهداف دراز مدتی دارند و روی سناریوی یوگسلاویزه کرده این کشورها نیز کارهای مقدماتی انجام داده اند. همین اقدامات است که حساسیت روی مسئله ملی را بشدت بالا می برد و چاره اندیشی در مقابل خطرات پیش روی این جنبش را در الویت قرار می دهد. در شرایطی که جنبش ملیت های تحت ستم از درون با بورژوازی محلی همراه است و در بیرون با بورژوازی حاکم و استبداد مذهبی دست و پنجه نرم می کند و بورژوازی بین المللی نیز در راستای اهداف شوم خود حاضر است به این جنبش کمک های گسترده ای ارائه دهد، خطر کشانده شدن این جنبش به جنگ های فرقه ای و مذهبی و حتی دامن زدن به شعار تجزیه طلبی روز به روز قوی تر می شود. در صورت تحقق چنین سناریوی شوم و سیاهی، مصیبت خونباری سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. در این جا سنوآل کلیدی این است که کدام نیروست که می تواند در مقابل این سناریوی شوم و سیاه در کنار جنبش ملی خلق های تحت ستم قرار گیرد و از همبستگی انسانی کارگران و زحمتکشان و توده های ملیونی کشور دفاع کند. این نیرو، جنبش کارگری است. این کارگران سراسر کشور، چه در میان ملیت های تحت ستم و چه در دیگر مناطق هستند که نه تنها منافع در جنگ های فرقه ای و مذهبی ندارند بلکه برافروخته شدن آتش چنین جنگ هایی در گام اول زندگی آن ها را به تباهی می کشاند. در این جنگ ها اولین کسانی که زندگی شان به نابودی کشیده می شود اردوی کار و زحمت هستند. آن هاینده که هم گوشت دم توپ خواهند بود و هم خانواده هایشان در آتش فقر؛ بدبختی؛ بی خانمانی و در بدی خواهند سوخت. و به دلیل حضور گسترده کارگران و زحمتکشان مناطق ملی در حصار آبادها و حلبی آبادهای کنار شهرهای بزرگ، دامن گرفتن آتش جنگ های فرقه ای و مذهبی و ملی، جنگ برادرکشی را به هم می آید نفاظ کشور خواهد کشاند.

اول ماه مه؛

و فوری ترین خواسته های طبقه کارگر ایران!

یوسف لنگرودی

رابطه مبارزات جنبش کارگری با جنبش ضد استبدادی مردم ایران در خیابان، محلات، دانشگاه و مناطق ملی است که یک رابطه متقابل و مستقیم بین آنان وجود دارد. پیشروی و موفقیت هر کدام باعث تقویت دیگری خواهد شد و زمینه را برای به محاصره در آوردن حکومت اسلامی فراهم خواهد آورد. اول ماه مه امسال در شرایطی فرا می رسد که یک جنبش توده ای نیرومند در طول یک سال گذشته، رژیم اسلامی را در بسیاری از عرصه ها به چالش کشیده و این رژیم را هرچه بیشتر منزوی ساخته است. حکومت اکنون بیش از هر زمان دیگری دچار مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی است. امید است طبقه کارگر ایران در جشن اول ماه مه بتواند با به میدان آوردن نیروی هرچه بیشتر، حول خواست های برحق، اراده ای متحد و توانایی اش را نشان دهد.

ویلاگ رادیو راه کارگر: اول ماه مه به زودی فرا می رسد. در این روز کارگران حول چه خواسته هایی می توانند متمرکز شوند؟ روشن است که نمی توان نسخه آماده ای را برای آنان تجویز کرد. تنها کاری که میتوان انجام داد جمع بندی درست از مبارزات و خواسته های فوری این طبقه است که امروز با آن دست و پنجه نرم می کند. یک بررسی کوتاه و فشرده نشان می دهد که کارگران ایران با فوری ترین مشکلی که روبرو هستند مسئله حقوق معوقه است که عقب افتادگی دست کم شش ماه آن، دارد به امری عادی تبدیل می شود و گاه تا حدود یک سال نیز به تعویق می افتد. بیشترین حرکات و اعتراضات در چند سال اخیر حول دریافت حقوق معوقه شکل گرفته است. اگر این معضل را در کنار سقف حداقل حقوق کارگران (که 303480 تومان در ماه است) بگذاریم و سپس همه این ها را با بحران شدید اقتصادی و گرانی افسار گسیخته با سطح تورم شدید که در تخمین های کارشناسانه مقرون به واقعیت، بین 25 تا 30 درصد اعلام می شود، در کنار هم قرار دهیم، آن گاه می بینیم که کارگران ایران تنها با مشکلات اقتصادی و سطح پایین دستمزد رنج در بسیاری از کشورهای روبرو نیستند بلکه همانطور که کارگران نیشکر هفت تپه شوش با صدایی رسا و روشن اعلام داشتند: ما گرسنه ایم، گرسنه! به این اعتبار، حقوق معوقه و تعیین عادلانه سقف حقوق (که باید باتوجه به تورم شدید اقتصادی و گرانی سرسام آور کالاهای مورد نیاز اولیه زندگی، تعیین گردد و بسیاری از کارشناسان حداقل سقف آن را یک میلیون تومان در ماه می دانند) می تواند به مرکزی ترین و مهمترین خواست کارگران در اول ماه تبدیل شود.

دومین خواستی که آنان می توانند حول آن گرد آیند، مسئله توقف موج اخراج هاست که اگر به همین شدت ادامه پیدا کند، عواقب شومی برای موجودیت این طبقه به همراه خواهد داشت. حکومت ولایت فقیه به جای رسیدگی به خواسته های کارگران و سروسامان دادن به وضعیت واحد های تولیدی و خدماتی، متوسل به تعطیلی آن ها شده و از اینرو اخراج های کور و گسترده کارگران را دم دست ترین راه حل می داند. رژیم اسلامی که یک دولت رانت خوار نفتی است و درآمد، هزینه و بودجه کشور را از راه دلارهای نفتی تامین می نماید، می خواهد چنین وانمود سازد که بود و نبود کارگران برایش اهمیتی ندارد؛ البته حکومت اسلامی هزینه سنگین این خوش خیالی و افکار عقب مانده و ارتجاعی خود را در رویایی کارگران با آن، خواهد پرداخت. از اینرو بسیار حائز اهمیت است که طبقه کارگر ایران شعار: اخراج کارگران را متوقف سازید! بستان کارخانه ها و واحد های تولیدی را متوقف کنید! را در روز یازده اردیبهشت بعنوان بخشی از مهمترین و فوری ترین خواست های خود برجسته سازد.

علاوه بر این ها، در همه سال های موجودیت رژیم نکیبت بارولایت فقیه، مخصوصا در دو سال گذشته، بسیاری از کارگران آگاه در جریان مبارزه برای احقاق حق و حقوق کارگران توسط حکومت حامی نظام سرمایه داری ولایت فقیه زندانی شده و یا شغل خود را از دست داده بقرع در صفحه

بیانیه رسمی شماره 1

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89

شنبه - یازده اردیبهشت- تهران، ساعت 5 عصر، مقابل وزارت کار کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، مزدبگیران! زنان و مردان و عموم مردم آزادایخواه! روز جهانی کارگر (یازده اردیبهشت) روز اول ماه مه در امسال، روز تلفیق خواسته ها و مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه با مطالبات اقتصادی و سیاسی همه ی ماست. بیانیه رسمی شماره 1 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 شنبه - یازده اردیبهشت- تهران، ساعت 5 عصر، مقابل وزارت کار کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، مزدبگیران! زنان و مردان و عموم مردم آزادایخواه! روز جهانی کارگر (یازده اردیبهشت) روز اول ماه مه در امسال، روز تلفیق خواسته ها و مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه با مطالبات اقتصادی و سیاسی همه ی ماست.

بدون گره خوردن مطالبات اقتصادی ما از طریق قدرت طبقاتی و متشکل ما، با خواسته های آزادیخواهانه و دموکراتیک، اعتراضات ما تنها و تنها تبدیل به ابزاری برای به قدرت رسیدن گروه و جناحی دیگر از جناح های سرمایه داری خواهد بود. برابری اقتصادی و برابری اجتماعی - سیاسی بدون یکدیگر از مفهوم تهی خواهد شد. امسال در روز جهانی کارگر، ما بر علیه فقر، نا برابری، سطح پایین دستمزدها، حقوق های معوقه، عدم امنیت شغلی، حذف سوبسید ها (طرح هدفمند کردن یارانه ها)، سرکوب های سیاسی و اجتماعی و در یک کلام سرکوب کرامت انسانی خود به اعتراض بر خواهیم خواست.

در روز جهانی کارگر سال 89 (شنبه، یازده اردیبهشت)، مهمترین خواسته ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری. زیر (که خلاصه ی مطالبات و از عمده ترین خواست ته های کارگری میباشد)، در شعارها و خواسته های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم های این روز، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته ها دست به مبارزات خستگی ناپذیر بزنیم.

1- ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی (اعم از زندانیان کارگری و معلمان، دانشجویان، زنان فعالین حقوق کودک، روزنامه نگاران) و تمامی زندانیان عقیده و بیان و تمامی زندانیان حوادث اخیر هستیم. اعتراض و آزادی بیان جزو حقوق ابتدایی و مسلم مردم است. تمامی احکام قضایی صادره برای فعالی سیاسی - اجتماعی و کارگری لغو و تعقیب قضایی علیه آنان متوقف باید گردد.

2- آزادی تشکل های مستقل طبقاتی، آزادی انجمن ها، حزب، اعتراض و اعتصاب و آزادی مطبوعات و آزادی بیان و اندیشه، حق مسلم انسانی ماست. ما برای کسب این حق وق و مطالبات دست از مبارزه بر نخواهیم داشت.

3- تعیین حداقل دستمزد 303 هزار تومان اعلام شده توسط شورای عالی کار، در حالیکه خط فقر اعلام شده توسط برخی نهاد های رسمی حاکمیت 900 هزار تومان است، نشان از عطش بی پایان نظام سرمایه داری به استثمار هرچه بیشتر کارگران و مزد بگیران و کسب سود هرچه بیشتر است. ما خواهان اعلام حداقل دستمزد توسط نمایندگان مستقل کارگری و تشکل های مستقل آنان و بر اساس حداقل های یک زندگی شرافتمندانه و انسانی هستیم.

4- در مقابل طرح ضد انسانی، سود محورانه و وحشیانه ی حذف سوبسید ها (هدفمند کردن یارانه ها) که چیزی جز خوش خدمتی به منافع سرمایه داری داخلی و جهانی نیست، دست از هرگونه اعتراض و اعتصاب بر نخواهیم داشت و عموم مردم را دعوت به اعتراضات گسترده علیه هر درجه از اعمال این اقدام ضد مردمی می نماییم.

5- ما ضمن تاکید بر لزوم تامین تمامی بلا نشستهگان برای داشتن یک زندگی انسانی و شرافتمندانه، خواهان برچیده شدن قوانین بردگی مدرن و روش های آن از جمله قراردادهای سفید امضا و قراردادهای موقت هستیم.

6- ما خواهان برخورداری تمامی افراد جامعه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومی رایگان هستیم.

7- ما جنبش های اجتماعی دیگر مانند جنبش زنان، جنبش حقوق کودک و جنبش دانشجویی را متحد خود می دانیم و هرگونه تعرض به آنان را تعرض به جنبش کارگری و تجاوز به کرامت انسانی اکثریت افراد اجتماع می دانیم.

8 - ما ضمن حمایت از کارگران مهاجر در ایران از جمله مهاجرین افغان، خود را در صف مبارزه جهانی طبقه کارگری بینیم و از مطالبات و خواسته های تمامی کارگران جهان حمایت می کنیم . همچنین ما خواستار آن هستیم که روز اول ماه مه، تعطیلی رسمی اعلام شود و هرگونه ممنوعیت اجرای مراسم در این روز ملغی گردد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر- 89/2/5

(1may1389@gmail.com) شورای برگزاری مراسم روز جهانی

کارگر سال 89

زمان و مکان برنامه :

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 با لحاظ کردن امکانات زمانی و مکانی مختلف، ضمن دعوت از دیگر افراد و گروه هایی که به دلیل تاخیر ما در اعلام برنامه و به دلیل عدم انسجام و برنامه ای از پیش تعیین شده، زمان ها و مکان های احتمالی دیگری را برای مراسم این روز پیشنهاد کرده بودند، اعلام میکند ما کارگران، مستقل از هرگونه مطالبات و برنامه هایی که هر گروه یا گرایش فکری - سیاسی اعلام نموده است، با طرح مطالبات و شعارهای مستقل خود (از جمله مطالبات هشت گانه ی فوق)، در روز شنبه یازده اردیبهشت، بدین ترتیب گرد هم خواهیم آمد و مطالبات خود را فریاد خواهیم زد.

مراسم روز جهانی کارگر : تهران ساعت 5 عصر خیابان آزادی، مقابل وزارت کار و سپس راهپیمایی به سمت میدان انقلاب (عبور از مسیر خیابان های خوش ، رودکی، نواب، اسکندری ، جمالزاده میدان انقلاب) و در شهرستان ها در مقابل ادارات کار یا مکان های منتخب خود کارگران و در ساعاتی که اعلام مینمایند . آوریل 26، 2010

بیانیه رسمی شماره 2

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89

شنبه-یازده اردیبهشت- تهران - ساعت 5 عصر، مقابل وزارت کار

روز جهانی کارگر، حلقه مفقوده ی مبارزات

کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه !

از دور جدید اعتراضات مردم ایران علیه ستمگری، نابرابری، دیکتاتوری، سرکوب، فقر، فساد، جهل، کشتار، حبس، تبعید و اقدامات ضد انسانی حاکمیت سرمایه داری در ایران، حدود یازده ماه می گذرد . مبارزاتی که بهانه ی اعتراض به نتایج انتخابات، آغازگاه زمانی آن بود ولی ریشه در عمر حاکمیت موجود ایران داشت . حاکمیتی که از ابتدای فرمانفرمایی خود با سرکوب آزادی ها و مطالبات اقتصادی- سیاسی عموم مردم و کارگران و ن پروهای کارگری و سوسیالیست و سایر نیروهای مبارز آغاز کرد و بر بنیاد این سرکوب ها به غارت حاصل دسترنج مردم و کسب سود و به بند کشیدن آزادی های بدست آمده از مبارزات منتهی به قیام 57 پرداخت.

اعتراض به نتایج انتخابات به زودی در میان بسیاری از معترضین تبدیل به نقی کلیت نظام و پیدایش زمینه ای برای نقد و بازنگری و دقت در هردو جناح درون حکومت شد . بسیاری به درستی و به سرعت در فضای ایجاد شده علیه دیکتاتوری، حکومت دینی، فقر و نابرابری و شرایط غیر انسانی تحمیل شده بر مردم شعار دادند . اصلاح طلبان حکومتی، سراسیمه این اقدامات را " ساختار شکنانه " خواندند و خواستار بازگشت به قانون اساسی و اندیشه های " امام " شدند. اما واقعیت این است که منافع و مطالبات اکثریت مردم از خواسته ها و موجودیت اصلاح طلبان و نیز رقیب آنان در جناح اصولگرا، جداست و حتی در مقابل آن قرار دارد.

درس های ا تفاقات نه تنها یک ساله ی اخیر بلکه سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی و تجارب قیام 57، باید برای همیشه به ما بیاموزد که مطالبات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی ما با توهم به این یا آن جناح سرمایه داری - چه از نوع اسلامی و برآمده از حوزه های علمیه و چه بیرون آمده از مکتب اقتصادی نولیبرالی آمریکا و غرب - بدست نمی آید.

ما نمی توانیم و نباید چشم به فرود هیچ هوپیمایی و فرود اختاپوس گونه ی هیچ رهبری با هر لباس و شعار و فریب و ادعایی باشیم . نگاه ما باید به سازماندهی از پایین و توسط خود مردم و بر اساس مطالبات اقتصادی - سیاسی- اجتماعی خود مان باشد. این است درس بزرگی که باید از تجارب گذشته و حالمان پیش روی خود قرار دهیم! روز جهانی کارگر و پیام نهفته در آن کلید حل معمای ماست.

اکثریت مردم جامعه، مزد بگیران و حقوق بگیران و فروشنندگان نیروی کار - ، کارگران- هستند و هم اینان هستند که - چه با کار فکری و چه کار بدنی ویدی - تولید کنندگان تمامی ثروت های مادی و معنوی جامعه اند. کدام دموکراسی عالی و کامل تر از این خواهد بود که اکثریتی که همه نعمات مادی و معنوی را تولید می کنند، قدرت راهبردی جامعه را در دست داشته باشند؟

سرمایه ی سرمایه داران از دل هیچ غار - معجزه ای بیرون نرزد است . بدون نیروی کار، هیچ سرمایه ای به سرمایه افزوده نمی شود و حیات و هستی جامعه در سرمایه داری و دولت های سرمایه داری - چه اسلامی و چه لیبرالی و چه پادشاهی- در این است که بتوانند این نظام سیاسی- اقتصادی مسلط بر جامعه را با چنگ و دندان حفظ کند تا مبادا، بنیاد این مناسبات استثمارگرانه در هم بریزد . کارکرد تمام نیروهای پلیسی و امنیتی و قضایی و جنگ افروزی ها، همه و همه برای حفظ نظام سرمایه داری و بهره کشی حاصل از آن و جلوگیری از اتحاد و سازمان یابی طبقه کارگر است.

چنانچه افسار و اصناف مختلف کارگری - چه فکری و چه یدی - آگاهانه و متحدانه تشکل های مستقل طبقاتی خود را ایجاد کنند و در پیوند و هماهنگی با یکدیگر در جامعه - و در سطح جهان - برای کسب مطالبات دموکراتیک، آزادی خواهانه و مطالبات اقتصادی و سیاسی خود با یکدیگر متحد شوند، اساس مناسبات استثمارگرانه ی سرمایه داری متلاشی خواهد شد؛ و از سوی دیگر اکثریت افراد جامعه، همزمان با رسیدن به خواسته ها و حقوق اقتصادی و سیاسی خود موفق به ایجاد دموکراسی راستین - حاکمیت اکثریت - شده اند.

آری! روز جهانی کارگر، و درس هایی که طبقه کارگر با خون خو د به یادگار گذاشته است، یگانه راه نجات جامعه را به ما نشان می دهد. اعتراضات مردمی علیه سرکوب، نابرابری، فقر و ستمگری باید به قدرت گیری خود مردم منتهی شود . تنها با ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی است که حاصل رنج ها و مبارزات مردمی منجر به قدرت گیری جناحی دیگر ببارنگ و لعابی دیگر از سرمایه داری نمی شود . تنها ضامن ایجاد و تثبیت دموکراسی و آزادی، قدرت و عرض اندام تشکل های مستقل در اصناف و افسار مختلف است، قدرتی سراسری، متحدانه و سیلاب وار که هرگونه دست اندازی و تجاوز به مطالبات مردمی را پاسخی درخور دهد.

کارگران ! کارخانه ها، کارگران خدماتی، مزدبگیران شرکت ها و سازمان ها، پرستاران ، معلمان، دانشجویان باید هرچه زودتر دست به ایجاد تشکل های مستقل کاری و عموم مردم اقدام به ایجاد شورا های محله ای خود بکنند؛ قدرتی که در اتحاد این تشکل هاست تیری است که همزمان دو نشانه را هدف گیری می کند: 1-حاکمیت استثمارگرانه و ظالمانه حاضر را برمی اندازد و 2-اجازه قدرت گیری کلاهداران حاکمیتی دیگر را نمی دهد و بلکه قدرت سازمان یافته ی مردمی را به عرصه حاکمیت اجتماعی مسلط خواهد کرد.

روز جهانی کارگر در خود در بردارنده ی تمام این درس ها و راه حل هاست و سالیان سال است که کارگران با بلند کردن پرچم سرخ خود و با جوش و خروش در گستره ی اکثریت مردم کره زمین، معنای بلند این کلید معمرا را به بانگ بلند فریاد می کنند.

روز جهانی کارگر در سال 89 همزمان شده است با خروش عمومی مردم علیه ظلم و سرکوب و دیکتات وری. سال 89 آپستن بزرگترین اعتراضات و اعتصابات مردمی و کارگری نیز خواهد بود . حذف سوسیسی ها (طرح هدفمند کردن یارانه ها)، حذف حداقل توانایی های اقتصادی و معیشتی اکثریت مردم است . و درآمد حاصل از حذف یارانه ها ، برای تحکیم قدرتی ها و نظامی گری های حاکمیت و با زپرداخت های وام های ننگین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هزینه خواهد شد. وام هایی که برای سرمایه داران هزینه شده ، باعث تقویت قدرت اقتصادی نیرو های سرکوبگر نظامی از جمله سپاه و بسیج شده ، منجر به افزایش فاصله طبقاتی شده ، عده قلیلی را فریه و فریه تر نموده است و اکنون بازپرداخت آن را نیز از جیب مردمی که فقیرتر شده اند، انجام می دهند!!

از هم اکنون نشانه های اعتراضات عملی مردم به این طرح خامان برانداز، با نپرداختن هزینه های آب و برق و گاز... آغاز شده است. از سویی در سال 89، حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورا عالی کار برای کارگران رقم 303 هزار تومان در ماه اعلام شده است که این رقم حدود یک سوم خط فقر اعلام شده توسط منابع رسمی حکومتی است ! شورای عالی کار مرکب از نماینده ی کارفرمایان (که دنبال تعیین کمترین مقدار دستمزد هستند) ، نماینده ی دولت (که حامی سرمایه داران است

و خود کارفرمایی عمده محسوب می شود) و نماینده خانه کارگر و شورای اسلامی کار (که نهادی ضد کارگری و دست ساخته ی حکومت است) می باشد. در این شورا حتا اگر به جای شورای اسلامی کار نماینده ی مستقل کارگری شرکت کند در برابر دو رای از دولت و کارفرما بازنده است. در واقع در این سیستم (سه جانبه گرای) کارگر حتا فرصتی برای قیمت گذاشتن بر کالایی که میفروشد (یعنی نیروی کارش) ندارد !!! در حالی که دستمزد باید توسط تشکل های مستقل کارگری اعلام گردد.

در این شرایط مردم و کارگران به جان آمده را به "کار مضاعف" نیز دعوت میکنند ! کارگرانی که دیگر نای کار کردن در ساعات متمادی و کارهای اضافه بر شغل خود را ندارند و با اینهمه کار و زحمت از پس خرج بخور و نمیر خانواده شان بر نمی آیند.

در اقدامی دیگر برای حمله به حداقل آزادی های مردم ، و برای ایجاد رعب و وحشت و تسلط روانی بر جا معه با طرح به اصطلاح " امنیت اجتماعی" بر روح و روان مردم خراش میزنند ! در حالی که ما باور داریم آزادی پوشش و روابط انسان ها در جامعه از جمله اصول اولیه و حداقلی زندگی انسانی است.

بهترین و کاملترین عکس العمل اساسی و همیشگی به اینگونه دست اندازی ها و تجاوزات به جان و مال و اندک نان موجود در سفره مردم، اعتراض های سازمان یافته از طریق تشکل های خود ساخته ی مردمی و کارگری امکان پذیر است. در میان جنبش کارگری - و در مقطع سالیان اخیر- مدت هاست که در میان کارگران این اقدامات برای ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی آغاز شده است. از همین روست که حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران، فعالین کارگری و تشکل های کارگری مستقل را مورد تهاجم و سرکوب قرار داده است. کارگران زندانی بسیاری از جمله محمود صالحی (در سقز) ابراهیم مددی، منصور اصاتلو (از سندیکا ی کارگران شرکت واحد) و دیگر همکارانشان ، علی نجاتی و دیگر همکارانش (در سندیکا ی کارگران نیشکر هفت تپه) ، فعالین کارگری بسیاری و فعالین کارگری در صنف معلمان و ... همه و همه در این سالها مورد خشم حاکمیت کارگر ستیز سرمایه داری اسلامی قرار گرفته اند. اما این جنبش را سر باز ایستادن نیست.

از همین رو و بنا به دلایل ذکر شده در روز جهانی کارگر سال 89 (شنبه ، یازده اردیبهشت)، مهمترین خواسته ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری زیر (که خلاصه ی مطالبات و از عمده ترین خواسته های کارگری میباشد)، در شعارها و خواسته های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم های این روز ، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته ها، دست به مبارزات خستگی ناپذیر بزنیم.

1 - ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی (اعم از زندانیان کارگری و معلمان، دانشجویان، زنان فعالین حقوق کودک ، روزنامه نگاران) و تمامی زندانیان عقیده و بیان و تمامی زندانیان حوادث اخیر هستیم . اعتراض و آزادی بیان جزو حقوق ابتدایی و مسلم مردم است . تمامی احکام قضایی صادره برای فعالی سیاسی- اجتماعی و کارگری لغو و تعقیب قض ایی علیه آنان متوقف باید گردد.

2 - آزادی تشکل های مستقل طبقاتی، آزادی انجمن ها، حزب، اعتراض و اعتصاب و آزادی مطبوعات و آزادی بیان و اندیشه، حق مسلم انسانی ماست . ما برای کسب این حقوق و مطالبات دست از مبارزه برنخواهیم داشت.

3 - تعیین حداقل دستمزد 303 هزار تومان اعلام شده توسط شورای عالی کار ، درحالیکه خط فقر اعلام شده توسط برخی نهاد های رسمی حاکمیت 900 هزار تومان است، نشان از عطش بی پایان نظام سرمایه داری به استثمار هرچه بیشتر کارگران و مزد بگیران و کسب سود هرچه بیشتر است . ما خواهان اعلام حداقل دستمزد توسط نمایندگان مستقل کارگری و تشکل های مستقل آنان و براساس حداقل های یک زندگی شرافتمندانه و انسانی هستیم.

4 - ما درمقابل طرح ضد انسانی، سود محورانه و وحشیانه ی حذف سوبسید ها (هدفمند کردن یارانه ها) که چیزی جز خوش خدمتی به منافع سرمایه داری داخلی و جهانی نیست، دست از هرگونه اعتراض و اعتصاب برنخواهیم داشت و عموم مردم را دعوت به اعتراضات گسترده علیه هر درجه از اعمال این اقدام ضد مردمی می نماییم.

5 - ما ضمن تاکید بر لزوم تأمین تمامی بازنشستگان برای داشتن يك زندگی انسانی و شرافتمندانه، خواهان برچیده شدن قوانین بردگی مدرن و روش های آن از جمله قراردادهای سفید امضا و قراردادهای موقت هستیم.

6 - ما خواهان برخورداری تمامی افراد جامعه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومی رایگان هستیم.

7- ما جنبش های اجتماعی دیگر مانند جنبش زنان، جنبش حقوق کودک و جنبش دانشجویی را متحد خود می دانیم و ه رگونه تعرض به آنان را تعرض به جنبش کارگری و تجاوز به کرامت انسانی اکثریت افراد اجتماع می دانیم.

8- ما ضمن حمایت از کارگران مهاجر در ایران از جمله مهاجرین افغان، خود را در صف مبارزه جهانی طبقه کارگرمی بینیم و از مطالبات و خواسته های تمامی کارگران جهان حمایت می کنیم . همچنین ما خواستار آن هستیم که روز اول ماه مه، تعطیلی رسمی اعلام شود و هرگونه ممنوعیت اجرای مراسم در این روز ملغی گردد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر- سال 89

1may1389@gmail.com

زمان و مکان برنامه : شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 با لحاظ کردن امکانات زمانی و مکانی مختلف ،ضمن دعوت از دیگر افراد و گروه هایی که زمان ها و مکان های احتمالی دیگری را برای مراسم این روز پیشنهاد کرده بودند ، اعلام میکند ما کارگران ،مستقل از هرگونه مطالبات و برنامه هایی که هر گروه یا گرایش فکری- سیاسی اعلام نموده است ،با طرح مطالبات و شعارهای مستقل خود (از جمله مطالبات هشت گانه ی فوق)، برای روز شنبه یازده اردیبهشت بدین ترتیب گرد هم خواهیم آمد و مطالبات خود را فریاد خواهیم زد : مراسم روز جهانی کارگر : تهران - ساعت 5 عصر - خیابان آزادی، مقابل وزارت کار و سپس راهپیمایی به سمت میدان انقلاب (عبور از مسیر خیابان های خوش ،رودکی، نواب، اسکندری، جمنازاده - میدان انقلاب) و در شهرستان ها در مقابل ادارات کار یا مکان های منتخب خود کارگران و در ساعاتی که اعلام مینمایند.

بیانیه کانون نویسندگان ایران:

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرمای باد!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر است . در سال ۱۸۸۶ در چنین روزی ۱۰۰ هزار کارگر در شیکاگو، آمریکا، با درخواست ۸ ساعت کار روزانه به خیابان ها آمدند. اما پلیس تظاهرات را راه پیمایی کارگران را وحشیانه سرکوب کرد و چهار تن از رهبران طبقه کارگر را به جوخه ی اعدام سپرد. از آن پس در بیش تر کشورهای جهان، زنان و مردان کارگر و تشکل های آزاد کارگری هر سال در اول ماه مه، آزادانه و فارغ بال، به خیابان ها می آیند و با جشن و پای کوبی خاطره ی این روز را گرمای می دارند. در این روز کارگران با دیگر بر حق خود برای برپاداشتن جهانی فارغ از ستم سرمایه، استثمار، نابرابری، تبعیض جنسیتی، بیکاری و ترس از بیکاری، اعدام و شکنجه، جنگ و آزادی کشی و سانسور، و در يك كلام، ساختن جهانی شایسته ی انسان آزاد پا می فشارند.

در ایران، اگرچه روز جهانی کارگر را، هم در اواخر رژیم گذشته و هم پس از انقلاب در حاکمیت کنونی، ظاهراً به رسمیت شناخته اند، در واقعیت امر، همواره از تشکیل هر گونه تشکل آزاد و مستقل کارگری با سرکوب و بند و زندان جلوگیری شده، و اول ماه مه - روز کارگر- یا روز تعقیب و گریز و ضرب و شتم کارگران بوده است یا روز نمایش های فرمایشی دولتی.

کانون نویسندگان ایران، که تشکلی آزاد و مستقل است، ضمن شادباش این روز فرخنده به کارگران و همه ی مردم زحمتکش، به حکم منشور خود که خواهان آزادی بیان و قلم و اندیشه در همه ی عرصه ها برای همگان است، بر پا داشتن تشکل های آزاد و مستقل کارگری و برگزاری آزادانه ی جشن بزرگ اول ماه مه را حق بی چون و چرای کارگران ایران می داند، و خواهان آزادی همه ی کارگرانی است که به خاطر پی گیری این حق مسلم خود در بند شده اند. کانون نویسندگان ایران ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی کارگر،

اول ماه مه روز کیفر خواست کارگران ، علیه نظام سرمایه داری است!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور
امسال در شرایطی طبقه کارگر جهانی به پیشواز اول ماه مه می رود که فقر ناشی از بحران اقتصادی سرا پایش را فرا گرفته است، عدم افزایش دستمزدها بر مبنای صعود پی در پی قیمت کالاها، مورد نیاز و کاهش قابل توجه قدرت خرید، اخراج و بیکاری از واحدهای تولید صنعتی و خدمات بیداد می کند و فقدان امنیت شغلی، آینده کارگران شاغل را مورد تهدید قرارداده و حتی بعضی از آنها را نیز به دلیل اینکه نمی خواهند نزد وجدان بیدار خود و خانواده شان شرمسار شوند، به مرز خودکشی می کشاند.
جهانی شدن سرمایه با فروریاد شدن مرزهای اقتصادی بشیوه ی نئولیبرالی علیه کارگران جهان توطئه می کند و پیشرفته چون همیشه شمشیر را از رو بسته است. کارفرمایان و دولت های حامی شان، فقط به سود کلان سرمایه می اندیشند. سود سرشاری که از ارزش های کار اجتماعی کارگران حاصل می گردد و بصورت ارزش اضافی، جهان سرمایه داران را که بصورت اقلیت ناچیزی کره خاکی را در زیر سیطره خود گرفته اند، سیراب می سازد و در چنین مسیری اکثریت عظیمی از انسانها که آفریننده ثروت اند، در بیکاری، مشقت، ناامیدی و فشار ظالمانه کار فردی و اجتماعی اسیر می مانند. کارگران در برابر این همه ظلم و خشونت متجاوزین نیروی کار ایستاده گی نموده و از خود دفاع میکنند و بردار مبارزاتی را بسوی نیروی سرمایه می گیرند. زیرا این سرمایه است که همراه کارفرمایان با پدافند باصطلاح حقوقی حاکمان سیاسی، الیگارش می مالی را در سطح جهانی گسترانده است و محرومیت، بیکاری و فقر روز افزون انسانها را موجب می شود.
در ایران وضعیت بسی اسفبارتر است. زیرا طبقه کارگر فاقد تشکلهای و سازمانها و نهادهای طبقاتی خویش است و فعالین کارگری متشکل در نهادها برای حقوق اولیه و ابتدائی جهت استقلال خویش مبارزه می برند. در این نبرد، فعالین کارگری با تهدیدات مستمر، احضار و بازداشت، دادگاهی و زندان، شلاق و شکنجه روحی و روبرو هستند جایی که حقوق کارگران بر مسیمت شناخته نمی شود و هرگونه تجمع و تظاهرات خیابانی جهت بزرگداشت روز اول ماه مه با تهاجم و حبس و ضرب و شتم و زندان مواجه می گردد. پارک لاله تهران در سال گذشته نمونه ای بارز از این اینگونه وحشیگری است.
جا دارد که در اول ماه مه، روز جهانی کارگر، یاد و خاطره همه آن کارگران و فعالینی که با رشادتها و جانبازیهایشان این نقطه عطف تاریخی جنبش کارگری را به ثبت رسانده اند و نیز یاد و خاطرات عزیز همه کارگران جانبازان را گرامی بداریم.
کارگر ایرانی فاقد هرگونه پدافند طبقاتی است و زمانیکه بیکاری گردد از حقوق بیده های اجتماعی برخوردار نیست و در هنگام اشتغال با دستمزد "بخور و نمیر" روزگاری گذراند. کافی است نگاهی به حد اقل دستمزد مصوبه 1389 بیفکنیم و با یک برآورد سرانگشتی، تفاوت عظیمی را بین نرخ تورم ناشی از بحران ذاتی اقتصاد سرمایه داری و قیمت کالاها و نیز میزان دستمزد کارگران محاسبه کنیم. حداقل دستمزد 303048 تومان در ماه برآورد شده است. در صورتیکه مطابق با آمار رسمی دولتی، مرز نژولی نهد هزار تومان بیانگر خط فقر در جامعه است. اینست که تفاوت چشمگیری بین نرخ تورم و حداقل دستمزد کارگران چشم می خورد و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نرخ یاد شده را به نفع خود و سایر سرمایه داران واحدها و بنگاههای خصوصی کاهش می دهد.
از دیدی دیگری اول ماه مه امسال، بیانگر مبارزه و اعتراضات مردمی است که از 10 ماه قبل آغاز گشته بود و اکنون نگاه خود را به طبقه کارگری بسته اند. طبقه ای که بوسیله فعالین و نهادهای جنبش کارگری از سالها قبل در میادین مبارزه برای کسب حقوق اولیه علیه نظم استعمارگر سرمایه داری جمهوری اسلامی حضور چشمگیری داشت و اکنون با سیر صعودی مبارزات اجتماعی، روشن است که بدون مداخله مستقیم طبقه کارگر، هیچ دگرگونی بنیادی به نتیجه نخواهد رسید. زیرا که بدیل سیاسی - طبقاتی علیه سیستم سرمایه داری بشکل همه جانبه فقط بدست توانای کارگران صورت خواهد پذیرفت و پیش شرط آن مبارزه جهت دستیابی به تشکلات مستقل و آزاد کارگری است.
رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قصد دارد با میلیتاریزه کردن جامعه، سدی در برابر مراسم اول ماه مه، 11 اردیبهشت امسال ایجاد نماید و خواستها و مطالباتشان را نادیده انگارد و نیز از گانهای ضد کارگری در تلاش برای ایجاد تفرقه مابین فعالین کارگری هستند، غافل از اینکه

سال گذشته را در حالی سپری کردیم که یکی از پرتنش ترین سال ها در تحمیل دردها و آلام به مردم زحمتکش و کارگران بود. در جشن روز کارگران در سال گذشته، یورش خشم آگ بین نیروهای امنیتی به تجمع مسالمت آمیز کارگران، ده ها نفر از آنان را روانه زندان کرد و پس از آن نیز اعتراضات مردم برای حق طبیعی تجمع آزاد بارها و بارها مورد حمله و یورش قرار گرفت.

خواسته های به حق مردم که در سی سال گذشته انباشته شده بود و با اعتراضات خیابانی بیان می شد، به شدت مورد سرکوب قرار گرفته و بخش پیشماری از اعتراض کنندگان کشته یا به بدترین وجه دستگیر شده، مورد آزار قرار گرفته و روانه زندان ها شدند. کارگران نیز همراه با سایر اقشار زحمتکش، معلمان، دانشجویان و مردم معترض به نبود آزادی های اجتماعی بارها و بارها اعتراضات خودشان را به اشکال مختلف بیان کردند.

از سوی دیگر بیکاری فقر و تنگدستی اخراج و فشارهای مختلف، زندگی کارگران و سایر زحمتکشان را در سال گذشته به شدیدترین وجه مورد حمله قرار داد. از هم اکنون طرح هدفمند کردن بارانه ها نیز می رود تا زندگی مشقت بارتی را برای کارگران و حقوق بگیران در سال جاری رقم زند.

ما ضمن حمایت از اعتراضات به حق مردم زحمتکش در سال گذشته و با فشاری بر خواسته های روز کارگر در سال 88 و حمایت از خواسته های قطعنامه تشکلهای کارگری سال 89 اعلام می کنیم:

1- ایجاد تشکلهای کارگری صنفی، سندیکایی و شورایی حق مسلم کارگران، زحمتکشان معلمان و سایر اقشار مردم است و اعمال قدرت مردم تنها از طریق ایجاد نهادهای انتخابی در همه شئون زندگی و در محل کار امکان پذیر است. این خواسته به حق مردم برای انتخاب نمایندگان خود در همه ی زمینه ها بای د پیگیری شود.

2- ایجاد یک زندگی شرافتمندانه انسانی که در آن نیازهای اولیه زندگی از قبیل کار مناسب، خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت و بیمه های اجتماعی برای همگان تامین باشد، حق مسلم هر انسانی است و این امر جز با محو استثمار انسان از انسان میسر نخواهد شد.

3- وجود جامعه ای امن و عاری از خشونت شکنجه و زندان و اعدام خواست همه ی کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم است و این مهم جز با برابری کامل انسان ها اعم از زن و مرد، اقوام و ملیت ها امکان پذیر نخواهد بود.

4- هر جامعه ای که در آن کودکان و زنان از احترام بیشتری برخوردار باشند تمدن تر است. کار کودکان مصداق بارز ظلم و ستم بر جامعه است و باید محو گردد.

5- آزادی بیان و اندیشه بی حصر و استتار حق مسلم همگان است.

ما ضمن پشتیبانی از تمام خواسته های آزادی خواهانه مردم اعلام می کنیم که طرفداران دروغین کارگران و زحمتکشان و پشتیبانان سیاست های نئولیبرالی در قالب طرفداران بازار آزاد و با استثمار آزاد و دفاع از نظام سرمایه داری غم خوار کارگران و زحمتکشان نبوده و تنها می خواهند از آنان به عنوان سیاهی لشکر برای سهم خواهی بیشتر از نظام موجود استفاده کنند و اعلام می کنیم که کارگران و زحمتکشان تنها به نیروی خود و با تکیه بر تشکلهای مستقل مردمی، که آن را در جریان مبارزه بدست خواهند آورد از حقوق حقه ی خود برای رسیدن به یک جامعه ی انسان محور، خواسته های خود را به هر طریق دنبال خواهند کرد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

8 اردیبهشت 89

از وبلاگ رادیو راه کارگر

گسترش سرکوب در آستانه روز جهانی کارگر!

روز جهانی کارگر در کشوری که کارگزارانش گروه گروه اخراج می شوند و زیر خط فقر زندگی می کنند، پرستارانش بشدت استثمار می شوند و از حداقل حقوق برخوردارند؛ معلمان دو شغله اند و با فقر و ناداری دست به گریبان، فعالان ملی اش صف انتظار اعدام را در زندان ها پر کرده اند و هر روز در گوشه ای از کشور آنها را به دار می کشند و جنازه جوان دانشجو را به خاطر فعالیت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری به نفع موسوی، کنج دکل برق دانشگاه پیدا می کنند، روز تنها کارگر و بازتاب درد کارگر نیست، روز فریاد درد همه ملتی است که از یک حکومت واپس گرا و تاریک اندیش بشدت رنج می برد و از درد به خود می پیچد.

وبلاگ رادیو راه کارگر : توحش و درنده خویی رژیم اسلامی و دستکاه قضایی و امنیتی آن از حد و اندازه گذشته است . سال گذشته اگر پرتاب از پل و زیر گرفتن جوانان با ماشین در سرکوب تازگی داشت، امسال حکم اعدام خانوادگی برای پنج عضو یک خانواده صادر کرده اند و در شیوه صدور احکام تغییر داده اند. در یک ماه اول سال، 20 نفر را در زندان های مختلف کشور حلق آویز کرده اند . آماري که از موارد نقض حقوق بشر توسط فعالین مدنی گردآوری شده نشان می دهد که تنها در یک ماه گذشته حداقل 38879 مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم اسلامی در کشور صورت گرفته است. روز گذشته نامه ای از سوی زندانیان بند 350 اوین خطاب به ده تن از آیت الله های سرشناس انتشار یافته است که بشدت تکان دهنده است: در این نامه زندانیان سیاسی ضرب و شتم افراد؛ فحاشی، اعمال شنیع، تهدید به تجاوز جنسی، بازداشت و تهدید خانواده، همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر برای اعمال فشار بر زندانی، آزار همسران و مادران زندانیان سیاسی از طریق مزاحمت های تلفنی شکنجه گران، مجازات زندانیان در صورت گرفتن وکیل، برگزاری دادگاه های نمایشی، تبلیغات دروغ، بازداشت موقت طولانی، سلول انفرادی؛ تصمیم گیری و صدور حکم برای زندانی سیاسی در خارج از زندان و با دیکته شکنجه گران در سپاه و وزارت اطلاعات، و خوراندن داروهای روانگردان به زندانی را با ذکر نمونه فاش کرده اند . درست در همین شرایط سرکوبگران به فکر اجرای دوباره طرح تهاجم به زنان تحت عنوان «حجاب و عفاف» افتاده اند و از این طرح به عنوان یکی از حلقهات اصلی طرح ارتقا امنیت اجتماعی یاد می کنند.

رفتار رژیم اسلامی در همین یک ماهه اخیر یک واقعت را به عریان ترین شکل اثبات کرده است و آن این که، فروکش اعتراضات گسترده توده ای به معنای کاهش سرکوب یا کاستن از شدت عمل دستگاه امنیتی / نظامی در برابر معترضان و منتقدان نیست، برعکس فقط و فقط به آنها فرصت و زمینه می دهد تا بیرحمانه تر و وحشیانه تر سرکوب کنند . و حتی علنی و آشکار نقشه چرخش در سرکوب از موضع تدافعی به موضع تهاجمی را به موضوع بحث و مشاجره دولت و مجلس تبدیل کنند . در برابر این واقعت راهی جز گسترش نافرمانی مدنی؛ سازماندهی هسته های مقاومت برای کناره‌ن بردن اعتراضات به سطح محلات و مناطق مختلف بر بستر مطالبات سراسری یا مطالبات بی واسطه محلی و منطقه ای وجود ندارد . بهره برداری بهینه از فرصت های کلان نیز چنانچه در اعتراضات توده ای ده ماه گذشته سابقه داشته است راهی برای جلوگیری از تعرض بیشتر دستگاه ولایی و همدستان امنیتی/ نظامی این دستگاه به جلوه های گوناگون حقوق شهروندی است. یازده اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر یکی از این فرصت هاست که نمی توان از دست داد . روز جهانی کارگر در کشوری که کارگزارانش گروه گروه اخراج می شوند و زیر خط فقر زندگی می کنند، پرستارانش بشدت استثمار می شوند و از حداقل حقوق برخوردارند؛ معلمان دو شغله اند و با فقر و ناداری دست به گریبان، فعالان ملی اش صف انتظار اعدام را در زندان ها پر کرده اند و هر روز در گوشه ای از کشور آنها را به دار می کشند و جنازه جوان دانشجو را به خاطر فعالیت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری به نفع موسوی، کنج دکل برق دانشگاه پیدا می کنند، روز تنها کارگر و بازتاب درد کارگر نیست، روز فریاد درد همه ملتی است که از یک حکومت واپس گرا و تاریک اندیش بشدت رنج می برد و از درد به خود می پیچد . روز یازده اردیبهشت می تواند روز رساندن این پیام به حکومت باشد که دیگر شکنجه و زندان و اعدام؛ حتی خانوادگی کردن احکام اعدام نمی تواند صدای نارضایتی مردم را خاموش کند . این روز می تواند روز تبلور اراده ملی برای تغییر اساسی و بنیادی وضع جهنمی کنونی باشد . 23 آپریل 2010

جنبش طبقه کارگرایان و فعالین راستین این جنبش، علیرغم همه تهدیدها و نیز کارشنکی و مشغله های جزئی، عمل نشان داده‌اند که اول ماه مه روزکیفرخواست کارگران علیه استثمارجبهه سرمایه و روزنمایش اتحاد عمل نهادها و تشکل های کارگری است . طبقه کارگرا با توسل به منافع و قدرت طبقاتی خود را سازماندهی خواهد کرد و نظم سرمایه داری را نابود خواهد ساخت.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم

11 اردیبهشت 1389 – اول ماه می 2010

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا

proletarianunite@gmail.com

- کمیته دفاع از کارگران ایران – نروژ cdkargari@gmail.com

- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – فرانسه

sstiran@yahoo.fr

- کانون همبستگی با کارگران ایران – فرانکفورت و حومه

kanoonhf_2007@yahoo.de

- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران – هانوفر

kanon.hannover@yahoo.de

- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se

- کانون همبستگی با کارگران ایران – گوتمبرگ

kanounhambastegi@gmail.com

- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankich@yahoo.co.uk

- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm

- اتحاد چپ ایرانیان و اشنگتن leftalliance@yahoo.com

- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا

toronto_committee@yahoo.ca

بقیه :

اول ماه مه و فوری ترین خواسته های طبقه کارگر ایران!

اند. برای نمونه می توان به منصور اساتلو دبیر سندیکای اتوبوس رانان تهران و حومه و علی نجاتی فعال سندیکای کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه شوش اشاره داشت که مدت طولانی است در زندان بسر می برند . بسیار به جاست تاکید بر آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و بازگشت به سرکار کارگران اخراجی ، در ردیف خواست های اصلی کارگران در روز اول ماه مه قرار گیرد . مجموعه نکات گفته شده جزو مهمترین مسایل و خواست هایی هستند که طبقه کارگر ایران امروز با آنان دست به گریبان است و بسیار مناسب خواهد بود که مورد توجه و مخصوصا تو چه بخش آگاه و پیشروان، در روز اول ماه مه قرار بگیرد.

برجسته کردن خواسته های گفته شده کارگری به این معنا نیست که مسایل و خواست های مهم و انکار ناپذیر کارگران در خصوص دیگر مسایل نادیده گرفته شود. هر جایی که امکان و ضرورت آن وجود دارد، آنان می توانند بر خ واست هایی مثل حق بر پا داشتن تشکلات صنفی، آزادی حق اعتصاب و تعطیلی رسمی با حقوق در روز یازده اردیبهشت که حکومت اسلامی و سرمایه داران دست در دست هم تا به حال بشدت در برابر آن مقاومت کرده اند، یا فشاری کنند. و بالاخره رابطه مبارزات جنبش کارگری با جنبش ضد استبدادی مردم ایران در خیابان، محلات، دانشگاه و مناطق ملی است که یک رابطه متقابل و مستقیم بین آنان وجود دارد. پیشروی و موفقیت هر کدام باعث تقویت دیگری خواهد شد و زمینه را برای به محاصره در آوردن حکومت اسلامی فراهم خواهد آورد. اول ماه مه امسال در شرایطی فرا می رسد که یک جنبش توده ای نیرومند در طول یک سال گذشته ، رژیم اسلامی را در بسیاری از عرصه ها به چالش کشیده و این رژیم را هرچه بیشتر منزوی ساخته است . حکومت اکنون بیش از هر زمان دیگری دچار مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی است. امید است طبقه کارگر ایران در جشن اول ماه مه بتواند با به میدان آوردن نیروی هرچه بیشتر، حول خواسته های برحق، اراده ای متحد و توانایی اش را نشان دهد. آوریل 25, 2010

از وبلاگ رادیو راه کارگر

اعتصاب معلمان برای آزادی و برابری!

این اعتصاب که در ۱۲ اردیبهشت روز معلم در جمهوری اسلامی آغاز میشود ظرفیت تبدیل شدن به یک حرکت بزرگ را داراست. خواسته این بیانیه خواسته همه مردم ماست. پیام این بیانیه، حق آزادی و حق کار، پیام همه مردم ماست. درخواست آزادی فرهنگیان اسیر درخواست همه فرهنگیان، دانش آموزان، و مردم ایران است. اساتید دانشگاه و دانشجویان، و دانش آموزان و خانواده های آنان میتوانند و باید از این اعتصاب حمایت کنند. با تشکیل کمیته های اعتصاب، با رساندن پیام فرهنگیان به همه مردم، به تقویت شبکه های مبارزه و تقویت همبستگی بین کارگران و زحمتکشان ایران کمک کنیم.



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده است که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و جمع ی از فعالین این تشکل قصد دارند که به مدت یک هفته دست به اعتصاب غذا بزنند. این اعتصاب که از ۱۲ اردیبهشت آغاز خواهد شد و تا ۱۸ اردیبهشت ادامه خواهد پیدا کرد در اعتراض به سرکوب و بازداشت معلمان، شرایط کاری و فضای امنیتی مدارس برگزار میشود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان با انتشار بیانیه ای ضمن اعلام این خبر از همه معلمان ایران خواسته است که به این اعتصاب بپیوندند. این بیانیه خواستار آزادی همه فرهنگیان زندانی، خاتمه یافتن تعقیب، بازداشت و سرکوب معلمان منتقد، سرمایه گذاری دولت در آموزش و ارتقاء آموزش، غیر ایدئولوژیک شدن سیستم آموزشی و کتابهای درسی، رفع فضای امنیتی در مراکز آموزشی و تامین امنیت شغلی فرهنگیان شده است.

امضاً کنندگان این بیانیه پرسیده اند: «از آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرد، بازنشسته اجباری، تنزل رتبه شغلی، محرومیت از تدریس و ... مواجه می شوند؟ هزینه هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به لحاظ انتقاد تحمل کرده و می کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته ی تقدیر و تحسین است. فرهنگیان «آزادترین کشور جهان!!!» می خواهند بدانند امثال بداقی ها، خواستارها، داوری ها و مومنی ها چه جرمی مرتکب شده اند که باید بدون محکومیت، ماه ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوقشان قطع و فرزندان خردسالشان در سختی و مضیقه مادی، نا امنی و ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند. معلمانی چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده اند.» بیانیه شجاعانه شورای هم اهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران نه تنها از حقوق صنفی فرهنگیان کشور دفاع کرده، نه تنها به افشای سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی پرداخته، بلکه با دعوت معلمان به اعتصاب غذا، گامی بزرگ در جهت گسترش نافرمانی و مبارزه علیه دولت اسلامی برداشته است. معلمان بخش مهم و برجسته ای از نیروی کار در ایران و در زمره محرومترین کارگران ایران اند. نقش معلمان همچنین به دلیل اهمیت حیاتی آنان در عرصه آموزش و تربیت نسل آینده بسیار برجسته است. این بیانیه به سه دلیل ویژه حائز اهمیت فوق العاده ای است. بنا به آمار رسمی جمعیت دانش آموزی کشور بیش از ۲۰ میلیون است و اکثریت عظیم اینها در مدارس دولتی مشغول به تحصیل اند. همچنین نزدیک به دو میلیون نفر در آموزش و پرورش ایران شاغل اند. به این تعداد اگر دانشجویان و اساتید دانشگاه ها را نیز اضافه کنیم کاملاً واضح است که چه نیروی شگرفی در این بخش از جامعه نهفته است. سیاستهای جمهوری اسلامی بیش از پیش این نیروی عظیم را در مقابل خود می باید. برای درک عمق اسفبار بودن سیستم آموزشی ایران و شرایط کاری معلمان تنها کافی است که به چند نکته توجه کرد. سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص ایران تنها ۴ درصد است. در این عرصه ایران از بسیاری از کشورهای جهان سوم عقب تر است. همچنین سهم آموزش از اعتبارات جاری دولت تنها ۷ درصد است. معلمان در جهان در زمره لایه های محروم هستند و طبق آمار یونسکو نزدیک به ۶۰ درصد از معلمان جهان در زیر خط فقر زندگی میکنند. اکثریت عظیم این ۶۰ میلیون در کشورهای در حال توسعه زندگی میکنند. سطح رفاه و شرایط زندگی معلمان در کشور هایی همچون ایران سال به سال کاهش پیدا می کند و جاذبه شغل معلمی کمتر میشود. بخش قابل توجهی از معلمان ایران پیمانی هستند و درآمدشان کمتر از یک سوم خط فقر است. مشکل معلمان ایران اما یکی و دو تا نیست. در کنار اینها نباید خصلت ارتجاعی رژیم اسلامی، بدعت گذاریهای دستگاه دولتی در آموزش و پرورش، حذف و سانسور بسیاری از کتابها و یا سوژه های درسی، پاکسازی معلمان در تمام ۳۰ سال گذشته، سرکوب، بازداشت و اعدام فرهنگیان را فراموش کرد. بیانیه منتشره از سوی معلمان با صراحت بر این نکات انگشت می گذارد. این بیانیه با شجاعت به سرکوب فرهنگیان، سیاستهای ضد فرهنگی و ضد علمی و همچنین خصوصی کردن آموزش و پرورش اعتراض می کند. آنچه که بویژه از اهمیت برخوردار است، اعلام اعتصاب غذا از سوی امضا کنندگان این بیانیه و دعوت از پیوستن همه فرهنگیان به این حرکت است. این اعتصاب که در ۱۲ اردیبهشت روز معلم در جمهوری اسلامی آغاز میشود ظرفیت تبدیل شدن به یک حرکت بزرگ را داراست. خواسته این بیانیه خواسته همه مردم ماست. پیام این بیانیه، حق آزادی و حق کار، پیام همه مردم ماست. درخواست آزادی فرهنگیان اسیر درخواست همه فرهنگیان، دانش آموزان، و مردم ایران است. اساتید دانشگاه و دانشجویان، و دانش آموزان و خانواده های آنان میتوانند و باید از این اعتصاب حمایت کنند. با تشکیل کمیته های اعتصاب، با رساندن پی ام فرهنگیان به همه مردم، به تقویت شبکه های مبارزه و تقویت همبستگی بین کارگران و زحمتکشان ایران کمک کنیم. 2010, 26

28 آوریل (8 اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار را گرامی می‌داریم

28 آوریل برابر با هشتم اردیبهشت ماه روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده است. امسال نیز سازمانهای کارگری همانند دیگر سالها در بیش از صد کشور در سراسر جهان با برپایی مراسم های همدردی با کارگران کشته شده و آسیب دیده در محیط کار، خواهان بهتر شدن قوانین ایمنی کار و مجازات صاحب کارانی خواهند شد که مسبب مرگ و یا نقص عضو کارگران در محیط کار شده اند.

کارگران در این روز در سراسر دنیا به یاد همکاران قربانی خود، کارزار همبستگی و گرامی داشت و همدردی با خانواده های کارگران قربانی را به راه خواهند انداخت و برنامه های آموزشی و اعتراضی گوناگونی را علیه سیاستها و قوانینی که باعث قربانی شدن میلیون ها کارگر در سال می‌شود سازمان خواهند داد.

کارگران ایران در شرایطی این روز را گرامی میدارند که وضعیت ایمنی در محیط های کار در بدترین شرایط در طی چند دهه گذشته قرار دارد. راننده ای که در پشت فرمان اتوبوس در هوای آلوده کار میکند، کارگران معدن، پالایشگاه، پتروشیمی، ماشین سازی، معلمی که تدریس میکند تا کارگر کشاورزی و همه و همه از این قاعده مستثنی نیستند و زنان و کودکان کارگر جدا از این که به دلیل انجام کارهای سخت و زیان آور قربانی حوادث شغلی می‌شوند، همچنین قربانی آزار و اذیت جنسی برخی کارفرمایان و همکاران مرد خود نیز می‌گردند.

وجود میلیونها کارگر بیکار، تحمیل قرار دادهای موقت بر کارگران، نبود امنیت شغلی و بختک اخراج سازی و تعطیلی یکی پس از دیگری شرکت ها و کارخانجات انجمن سایه شوم خود را بر سر کارگران انداخته است که امروزه پیدا کردن شغل، حفظ آن و تلاش برای بدست آوردن لقمه نانی به اولویت اول زیست کارگران در ایران تبدیل شده است، بطوریکه در این میان مطالبات مربوط به بهداشت و ایمنی کار در رده فراموش شده ترین و آخرین مطالبات کارگران ایران قرار گرفته است.

افزون بر غیبه ایمنی بودن محیط کار که سالانه هزاران کارگر در ایران را قربانی خود میکند از دیگر سو وجود دستگاه های گوناگون انتظامی و امنیتی و حراستی و اطلاعاتی در محیط های کار، امنیت روحی و روانی کارگران ایران را پیوسته به مخاطره انداخته است. تحت چنین شرایطی کارگری که می خواهد برای پیشبرد مطالبات خود و بهبود شرایط کار و ایمنی اش قدمی بردارد بلافاصله مورد تهدید، بازجویی و ضرب و شتم نیروهای حراست و انتظامی و امنیتی قرار میگردد و کم نیستند کارگرانی که در طول سالهای گذشته و هم اکنون به دلیل طرح مطالبات خود اخراج و روانه ی زندانها شده اند و آسیب های روحی و روانی غیر قابل جبرانی بر آنان و خانواده هایشان وارد آمده است.

آمارهای تکان دهنده و روند رو به افزایش حوادث ناشی از نبود اطلاعات و آموزش ایمنی در محیط کار در طی سال های گذشته نشان می دهد که اساسا صیانت و حفاظت از جان کارگر ان و زحمتمکشان و پاسخگویی به مطالبات عادلانه آنان و بهبود شرایط کار در دستور کار سیستم موجود قرار ندارد و روند چاره جویی و پیشگیری برای کاهش حوادث شغلی برای مجموعه سیستم مدیریت و قانونگذار از ذره ای اهمیت برخوردار نیست.

در این میان محرومیت کارگران ایران از تشکلهای مستقل خود، یکی از حلقه های اصلی مجموعه عواملی است که امروزه کارگران ایران را در چنین موقعیت آسیب پذیری در رابطه با وجود ایمنی در محیط کار قرار داده است. وجود تشکلهای مستقل کارگری و آموزش در محیط کار یکی از حیاتی ترین ابزارها جهت بهبود شرایط کار و کاهش حوادث شغلی است که از دیگر سو میتواند باعث تغییراتی بنیادی در وضعیت کنونی طبقه کارگر ایران بشود.

ما همراه و همگام با کارگران جهان 28 آوریل روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده و روز اعتراض به نبود ایمنی در محیط کار را گرامی میداریم و با اعتراض به شرایط وخیم نبود ایمنی در محیطهای کار ضمن اعلام همدردی با عموم کارگران آسیب دیده و خانواده هایشان در ایران و سراسر جهان، خواهان بکار گیری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط کار هستیم و سیستم موجود را مسئول بلاواسطه قربانیان حوادث ناشی از کار میدانیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
اتحادیه آزاد کارگران ایران
هیئت بلژگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک
هیئت بلژگشایی سندیکای کارگران نقاش
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز
شورای زنان

سرود انترناسیونال

ماه نوامبر سال پیش، ۱۹۱۲، بیست و پنجمین سال درگذشت کارگر شاعر فرانسوی، اوژن پوتیه، سراینده سرود معروف پرولتری انترناسیونال (برخیزید، ای فلکزدگان! برخیزید، ای در بند گرسنگی اسیران!...) بود این سرود امروزه به همه زبانهای اروپایی و زبان های دیگری ترجمه شده است. هر کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود در هر کشوری که باشد، به هر جا که دست سرنوشت پرتابش کرده باشد، هر قدر احساس غربت کند، زبان نداند، دوستی نداشته باشد، از زاد بومش دور افتاده باشد، میتواند با ترجیع بند آشنای انترناسیونال [نبرد نهایی است این، گرد هم آییم! و فردا انترناسیونال بشریت را گرد هم خواهد آورد!] برای خود دوست و رفیق پیدا کند

امروزه کارگران در همه کشورها سروده شاعر پرولتریشان، سروده رزمنده پیشنماشان را بدست گرفته اند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا مبدل ساخته‌اند. کارگران جهان خاطره اوژن پوتیه را بدینسان گرامی میدارند. همسر و دختر او هنوز زنده اند و در فقر بسر میبرند، همچنان که سراینده انترناسیونال خود در تمام طول عمر بسر برد. اوژن پوتیه روز ۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس بدنیا آمد. چهارده ساله بود که اولین سرودش، زنده باد آزادی، را سرود. در [انقلاب] ۱۸۴۸ در باریکادهای پیکار کبیر کارگران علیه بورژوازی پیکار کرد.

او در خانواده ای فقیر چشم به جهان گشود، و در سراسر عمر مردی فقیر، یک پرولتر، باقی ماند. معاشش را نخست از راه کار بسته بندی و سپس کار کپی نقوش بر منسوجات تأمین میکرد.

از سال ۱۸۴۰ بیعد با سرودهای رزمنده اش در همه رویدادهای بزرگ حیات فرانسه دخالت کرد. در این سرودها آگاهی را در عقب ماندگان بیدار میکرد، کارگران را به اتحاد فرامیخواند، و بورژوازی و دولت های بورژوازی فرانسه را گوشمالی میداد.

در ایام کمون کبیر پاریس (۱۸۷۱) پوتیه با ۳،۳۵۲ رأی از مجموع ۳،۶۰۰ رأی به صندوق ریخته شده به عضویت کمون انتخاب شد. پوتیه در تمامی فعالیت های کمون، این نخستین حکومت پرولتری، شرکت داشت.

پس از سقوط کمون اجباراً به انگلستان و سپس به آمریکا گریخت. سرود مشهورش انترناسیونال را در ژوئن ۱۸۷۱ سرود - به تعبیری در فرادی شکست خورن ماه مه.

کمون در هم کوبیده شد، اما انترناسیونال پوتیه بنر ایده های آن را در سراسر جهان پراکند، و امروز نهال آن سرزنده تر از همیشه است.

در سال ۱۸۷۶ پوتیه در تبعید شعری سرود با عنوان از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه. در این شعر زندگی کارگران را زیر یوغ سرمایه، فقرشان را، رنج کمرشکن شان را، استعمارشان را، و ایمان استوارشان به پیروزی راهشان را به تصویر کشید.

نه سالی بیش از شکست کمون نگذشته بود که پوتیه به فرانسه بازگشت، و بیدرنگ به حزب کارگران پیوست. دفتر اول اشعارش در ۱۸۸۴ و دفتر دوم آن، با عنوان سرودهای انقلابی، در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. برخی سرودهای دیگر این کارگر شاعر پس از مرگش منتشر شد.

روز ۸ نوامبر ۱۸۸۷ کارگران پاریس پیکار بیجان اوژن پوتیه را به گورستان پرلاشز، محل دفن کموناردهای اعدام شده، حمل کردند. پلیس در تلاش برای پایین کشیدن پرچم سرخ، وحشیانه به جمعیت حمله کرد. جمعیت عظیمی در این تشییع جنازه مدنی و غیررسمی شرکت کرده بودند. فریاد «زنده باد پوتیه!» از هر سو بلند بود

پوتیه در فقر مرد. اما یادگاری از خود بجا گذاشت که براستی از مصنوعات دست بشر پایدارتر است. او یکی از بزرگترین مروجین شعری بود. وقتی اولین سرودش را سرود تعداد کارگران سوسیالیست به چند دهه میرسد. سرود تاریخی اوژن پوتیه امروز برای دهها میلیون پرولتر سرودی آشناست.

لنین، مجموعه آثار، انگلیسی، جلد ۳۶
نخستین بار در ۳ ژانویه ۱۹۱۳ در پراودا با امضای ن. ل. بچاپ رسید.

برخیزید، ای فلکزدگان
برخیزید، ای در بند گرسنگی اسیران
خرد در دهانه آتشفشان در غرش است،
این آتشفشان ناگزیر آخر است،
!لوح از نقش گذشته پاک کنیم
مردمان، بردگان، بیا خیزید! بیا خیزید
زیربنای جهان در تحول است،
و ما که هیچیم همه چیز خواهیم شد
نبرد نهایی است این،

قطعنامه مشترک روز جهانی (تشکل های کارگری ایران)

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض چه انی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می کشند، خیابانها را به تسخیر خود در می آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و برپا انی دنیایی بهتر را فریاد میزنند.

قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر (تشکل های کارگری ایران) طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در حالی در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال ۸۸ یا به زندان محکوم شده اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضائی قرار دارند و دهها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم برپائی تشکلهای کارگری و دفاع از حقوق انسانی شان در زندانها بسر میبرند.

تحمیل چنین ابعاد وحشتناکی از بی حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران در شرایطی است که سیستم سرمایه داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن ۵۷، دستمزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت باموقع این دستمزدها و اخراج و بیکار سازی توده های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا شرایط به غایت جهنمی را بر میلیون ها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سود آوری سرمایه با به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و طرح قطع یارانه ها در صدد است تا آخرین لقمه ها برای زنده ماندن میلیونها خانواده کارگری را از سفره آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر کند.

اما همانگونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن ۵۷ و سالهای اخیر نشان دادیم تاب تحمل اینهمه فلاکت و بی حقوقی را نخواهیم آورد و علیرغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران در مقابل لگد مال شدن بدیهی ترین حقوق انسانی خود ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی ثروتها و تمعات موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین اس تانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده های مردم ایران میدانیم. در این راستا ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی حقوقی قرار داده است بر تحقق مطالبات زیر پای می فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی قید شرط همه آنها هستیم:

۱- برپائی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند،

۲- ما طرح قطع یارانه ها (هدفمند کردن یارانه ها) و حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری میدانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع یارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان هستیم،

۳- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً “ و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود،

۴- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند،

۵- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، تامین امنیت شغلی کارگران و تمامی مزد بگیران، رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی کار و بر چیده شدن تمامی نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار هستیم،

۶- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی و کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگردهای قضایی علیه آنان هستیم،

۷- ما ضمن محکوم کردن هرگونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هرگونه بی حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم و خدشه ناپذیر کارگران و عموم مردم می دانیم،

!گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

نه ناجی اعظم و اعلائی در اندیشه نجات ماست، نه خدایی، نه قیصری، نه چرگه ای

!کارگران! ما خود باید به نجات خویش برخیزیم

بباید فرمان رهایی و خوشبختی همگانی صادر کنیم،

تا دزد گردن به اختیار پیش آورد،

تا ذهن از سیاهچال رهایی یابد

در کوره آهنگریمان خود بدمیم،

و آهن را تا داغ است بکوبیم

نبرد نهایی است این،

!گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

دولت سرکوب میکند، و قانون کلاهبرداری،

زالوی مالیات خون محنتکشان را میمکد،

هیچ وظیفه ای بر عهده اغنیا نیست،

حقوق فقرا عبارتی تو خالی بیش نیست،

بس است دیگر در کنج حبس پوسیدن،

برابری، قوانین دیگری میخواهد،

!که حق بدون وظیفه و بدون حق را در آن جایی نباشد

نبرد نهایی است این،

گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

جلال و جبروت سلاطین معادن و راه آهن منظره کراهتباری است، چه اینان هیچگاه کاری جز دزدیدن کار ما نکرده اند،

شمش های درون خزان این جماعت حاصل کارهای ماست که ذوب و در هم آمیخته اند

مردم با اعلام فرمان استرداد این اموال،

چیزی بیش از حق خود مطالبه نمیکنند

نبرد نهایی است این،

گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

شاهان ما را به هوئی های دروغین تخدیر میکنند

صلح کنیم با خود، جنگ کنیم با جباران

در ارتش ها اعلام اعتصاب کنیم،

!تفنگ ها را رو به بالا بگیریم، صفوفشان را در هم بریزیم

این آدمیخواران اگر عزم قهرمان ساختن از ما کنند،

دیری نخواهد پایید که درمیابند گلوله های ما برای ژنرال های خودی است

نبرد نهایی است این،

گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

ما کارگرانیم، ما برزیزگرانیم، ما اردوی عظیم زحمتکشانیم

کره زمین متعلق به انسانهاست،

بیکارگان باید جای دیگری بدنبال مسکن باشند

سور و سات اینان از گوشت تن ما بر پا است

اما چون این کرکسان و لاشخوران در روزی از همین روزها ناپدید شوند،

خورشید جاودانه خواهد درخشید

نبرد نهایی است این،

گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

زنده باد اول ماه مه!

قطعه‌نامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری و بیان خواسته های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار است. امسال ما کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می کنیم که نظام سرمایه داری در گرداب یک بحران عظیم اقتصادی ویران کننده تری فرورفته است و در حال دست و پا زدن برای نجات خویش از آن به سر می برد.

بحران عظیم اقتصادی موجود و عجز دولت های سرمایه داری در مهار آن و سر ریز کردن بار این بحران بر دوش کارگران جهان، بیش از پیش گنبدگی این نظام را پس از فروپاشی بلوک شرق و ادعای پایان تاریخ به نمایش گذاشت و ضرورت برپایی دنیایی فارغ از مناسبات ضد انسانی نظام سرمایه داری را به مثابه یگانه راه خلاصی بشریت از مصائب موجود در برابر کارگران و بشریت متمدن قرار داد.

این بحران و تبعات ویرانگر آن بر زندگی و معیشت کارگران در سراسر جهان تا آنجا که به ایران مربوط می شود و بر خلاف بهانه تراشی های کارفرمایان و تبلیغات قلم به داستان سرمایه، هنوز سایه شوم خود را بر زندگی و معیشت روزمره کارگران در ایران نگسترانیده است و از نظر م بیشترین مصائب و مشقاتی که امروزه ما کارگران با آنها دست به گریبانیم بیش از هر چیز حاصل سیطره اقتصادی، اجتماعی و عملکرد سرمایه داری حاکم بر ایران است.

دستمزدهای به شدت زیر خط فقر، اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون ها کارگر، تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران و بازداشت و زندانی کردن آنان تا سرکوب تشکل ها و اعتراضات کارگری و اجرای احکام قرون وسطایی شلاق علیه کارگران و رایج کردن فرم قراردادهای برده وار جدید، مصائب و بی حقوقی هایی نیستند که با وقوع بحران در اقتصاد جهانی وارد ایران شده باشند. این وضعیت سال هاست که ادامه دارد و هر ساله بر عمق و دامنه آن افزوده می شود. ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم و حق مسلم خود می دانیم تا با بالاترین استاندارد های حیات بشر امروز در آسایش و رفاه زندگی کنیم.

داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موازج پیش روی خود را با برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی مان از سر راه خویش بر خواهیم داشت. م در این راستا ما کارگران امروز یک پارچه و متحد، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواسته های خود فریاد می زنیم و خواهان تحقق فوری این مطالبات هستیم:

- ۱- تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و برچیده شدن فرم های جدید قراردادکار
- ۲- ماحدافل دستمزد تصویب شده از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری می دانیم و مصرا نه خواهان افزایش فوری حداقل دستمزدها بر اساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان واقعی و تشکل های مستقل کارگری هستیم.
- ۳- برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ماست و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران به رسمیت شناخته شوند.
- ۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت گردد.
- ۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.
- ۶- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان هستیم.
- ۷- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم.

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم.

۱۰- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند.

۱۱- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم.

۱۲- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم.

۱۳- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم.

۱۴- ما ضمن فدرانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

۱ مه ۲۰۱۰ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران شرکت نقش هفت تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز

هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک

شورای زنان

* پیوندها *

سر دبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadlifi@telia.com

تلفن، فاکس ایمیل و روابط عمومی سازمان

تلفن 0049-69-50699530

فاکس 0049-69-95219010

public@rahekarqar.net

سایت راه کارگر

www.rahekarqar.net

orwi-info@rahekarqar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekarqar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاماً

بیانگر مواضع سازمان نیستند.

دغدغه اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری
بازنشستگان را قویاً محکوم می کنیم.

۸- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان به عنوان کارگران
فکری، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می
دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان و لغو حکم اعدام فرزند کمانگر
هستیم.

۹- از آنجا که کارگران فصلی و ساختمان به طور کامل از هرگونه قوانین
تامین اجتماعی محروم هستند، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر
برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می کنیم

۱۰- سیستم سرمایه داری عامل کار کودکان است و تمامی کودکان باید
جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی
های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی
یکسانی برخوردار شوند.

۱۱- ما خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسالو و
ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پیگرد های قضایی و
امنیتی علیه فعالین کارگری هستیم.

۱۲- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و
برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان اعلام می داریم و
دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً
محکوم می کنیم.

۱۳- ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی
مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای
محکوم می کنیم.

۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران
در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در
سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر
همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه
داری تاکید می کنیم.

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور
گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز
ملغی گردد.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

۱ مه ۲۰۰۹

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

سندیکی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکی کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

هیئت بازگشایی سندیکی کارگران نقاش و تزئینات ساختمان

کانون مدافعان حقوق کارگر

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری

- کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

- شورای زنان

- جمعی از فعالین کارگری

منبع: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

چهارشنبه، ۲۵ فروردین ۱۳۸۹ - ۱۴ آوریل 2010

اطلاعیه شماره ۲ کمپین ۲ میلیون امضا

بر علیه مجازات اعدام /

تعداد سایتهای و نهادهای حامی کمپین از مرز ۴۰ گذشت



در روزهای اخیر با پیوستن دو نهاد دیگر به کمپین ۲ میلیون امضا بر
علیه مجازات اعدام تعداد سایتهای و نهادهای حامی کمپین از مرز ۴۰
عبور کرد. دو سایت و نهاد «نشریه اعتصاب» و «نشریه سینمای آزاد»
نیز اکنون به جمع سایتهای و نهادهای پیوسته اند که صرفنظر از هر
عقیده و مرامی در مبارزه مشترکی برای لغو مجازات غیر انسانی اعدام
در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. نگاهی به تنوع و گستردگی این سایتهای و
نهادهای نشان می دهد که پیشبرد مبارزه مشترک برای کسب حقوق پایه ای
سلب شده را می توان فراتر از صف بندیهای محدود سیاسی در عرصه
گسترده تر اجتماعی به پیش برد و نیروی انجام تغییرات پایه ای در جهت
این کسب این حقوق پایه ای را به نیرویی مؤثر تبدیل کرد. نهادهای و
سایتهایی که در کمپین شرکت کرده اند تصویر نسبتاً جامعی از گستردگی
خواستار لغو مجازات اعدام در جامعه را به نمایش می گذارند. این سایتهای
و نهادها عبارتند از:

اتحاد دانشجویان ضد فاشیسم - اتحاد کارگری -

اشتراک - امید - ایران نبرد - ایران تریبون - ایران

تلگراف - به اعدام بگو نه! - پایگاه خبری تحلیلی

علامه نیوز - پژواک ایران - تنوری آشفتگی -

تلویزیون رهایی زن - تیف - جنگ خبر - جنبش

کارگری - چامه های دل شیدا - چه باید کرد؟ -

خروش سرخ - خلاف جریان - دکتر عباس تموچین -

دفاع از حقوق زنان - رادیو رهایی - سازمان سراسری پناهندگان ایرانی،

بیمرز - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سازمان دگرپاشان جنسی

ایران - سایت دکتر عطا هودشتیان -

فرهنگسرای اندیشه - سینمای آزاد - کارگاه هنر و

ادبیات کارگری - مرکز پخش فیلمتر شکن - کیلان

کلون - گذران یاد - گزارشگران - گزیده - لچور -

نشریه اعتصاب - نشریه جامعه شناسی ایران، انجمن جامعه شناسان

بدون مرز، شلخه ایران

- وبلاگ حمایت از کمپین ۲ میلیون امضاء علیه

مجازات اعدام - وبلاگ صدای کارگر -

وبلاگ نویسان علیه اعدام - یک اتفاق.

کمپین ۲ میلیون امضا بر علیه مجازات اعدام هنوز در آغاز کار است. تا

رسیدن به جامعه ای رها از مجازات غیر انسانی اعدام راه درازی در

پیش است. ما از همه آزادیخواهان مخالف مجازات اعدام می خواهیم با

امضاء پتیشن ۲ میلیون امضاء بر علیه مجازات اعدام این صف را

گسترش دهند. ما از همه رسانه ها و سایتهای اینترنتی می خواهیم که با

پیوستن به صفوف کمپینی که متعلق به همه مخالفان مجازات اعدام

است، صفوف این مبارزه را تقویت نموده و به امکان گسترش یک

کارزار اجتماعی گسترده بر علیه مجازات اعدام یاری رسانند

اعدام اجرای عدالت نیست. قتل عمد دولتی در پوشش اجرای عدالت

است.

هیأت موقت مسئولین سایت کمپین ۲ میلیون امضاء بر علیه مجازات

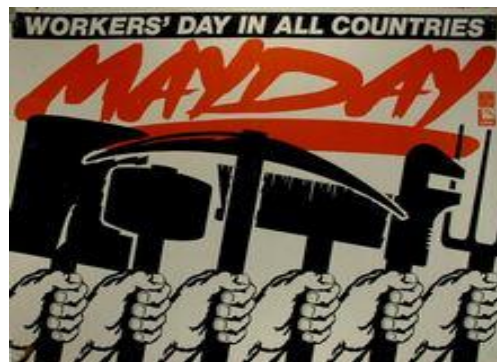
اعدام.

آدرس سایت کمپین: <http://k-a-e.com>

ایمیل تماس: k-a-e@k-a-e.com

۹ اردیبهشت ۱۳۸۹

۲۹ آوریل ۲۰۱۰



مرز ماجراجویی های گستاخانه اسرائیل تا کجاست؟

یوسف لشکروی

دولت اسرائیل چندی پیش، با صدور یک فرمان نظامی، اعلام کرده است که آن دسته از فلسطینی های کرانه باختری رود اردن را که فاقد کارت ویژه هویت هستند، زندانی و یا از آن منطقه اخراج می کند. کارت های ویژه کارت هایی هستند که از سوی اسرائیل صادر شده باشد. بسیاری از فلسطینیان این منطقه پس از اشغال سرزمین شان توسط اسرائیل، کارت های شناسایی شان توسط کشورهای همسایه صادر شده است. اسرائیل اعلام داشته هر کسی را که فاقد مدارک شناسایی معتبر است به ظن جاسوس تا هفت سال زندانی خواهد کرد و آتانی را که اوراق هویت دارند اما نه اوراق هویتی که توسط اسرائیل صادر شده باشد، تا سه سال در حبس خواهند بود. چه فلسطینی هایی که از کشوره ای دشمن وجه آتانی که از کشورهای دوست به کرانه باختری رود اردن آمده و در آن سکونت دارند نیز شامل قانون تازه خواهند شد. این سیاست تزد پرستانه اسرائیل مورد اعتراض شدید فلسطینی ها، دهها سازمان و نهادهای حقوق بشری قرار گرفت. گروههای حقوق بشری در نامه ای خط اب به اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، نوشته اند: "نحوه تدوین این فرمان ها به گونه ای بوده است که بنا به آن ها، مقام های اسرائیل به طور نظری مجازند کرانه باختری را تقریباً از ساکنان فلسطینی اش خالی کنند." در میان امضا کنندگان این نامه، گروه های "بلسلم"، "هاموكد"، "انجمن حقوق مدنی در اسرائیل" و "اخام های مدافع حقوق بشر" از جمله گروههایی هستند که در اسرائیل فرمان جدید را محکوم کرده اند. این سیاست جدید اسرائیل می تواند منجر به آوارگی دهها هزار فلسطینی از سرزمین خود شود. دولت اسرائیل این اعمال را نه در محدوده کشور خود بلکه در سرزمینی انجام می دهد که به دیگران تعلق دارد.

کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۷، یعنی هنگامی که با طرح و پیشنهاد انگلیس و فرانسه و با حمایت اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا و با تایید مجمع عمومی سازمان ملل، برای پایان دادن به آوارگی قوم یهود، اجازه یافت در بخش کوچکی از سرزمین فلسطین تاسیس شود، به شرط آن که به بخش های دیگر این سرزمین دست اندازی نکرده و برای فلسطینی ها درامور مذہبی و فرهنگی محدودیت و مانع ایجاد نکند. در سال های پس از اعلام موجودیت اسرائیل، حکومت این کشور به هیچ یک از تعهدات وفادار نماند و فلسطینی ها را در همه عرصه ها به روز سیاه نشانند و با بره انداختن جنگ های بی پایان، بخش هایی از اراضی کشورهای همسایه را غصب نمود. رهبران راستگرا و بنیاد گرایان مرتجع آن کشور، بارها و آشکارا از نقشه اسرائیل بزرگ سخن به میان آورده اند. امروز کار به جایی رسیده که بخش اعظم خاک فلسطین در اشغال اسرائیل قرار دارد.

با سیاست های جدید اسرائیل در کرانه غربی رود اردن، به نظر می رسد اسرائیل قصد دارد زمینه جنگ دیگری مانند جنگ غزه را تدارک ببیند. نیروهای صلح طلب از هم اکنون در باره به راه افتادن جنگی جدید بر اثر تحریکات اسرائیل هشدار می دهند. از فرار معلوم ماجراجویی های شوروانه اسرائیل قرار نیست پایان بگیرد و بدین ترتیب منطقه روی آرامش را به خود ببیند. در همین یک سالی که از تهاجم خونین این کشور علیه مردم فلسطین در غزه می گذرد، اسرائیل در این جا و آن جا فتنه بر پا کرده و در برخی موارد چ نان گستاخانه عمل نموده که حتی با اعتراض مهمترین حامی خود روبرو شده است. ایالات متحده آمریکا رسماً خواهان توقف فوری شهرک سازی در بیت المقدس شرقی و پایان یافتن ویران کردن خانه های اعراب در آنجا شده و ادامه آن را باعث تضعیف مذاکرات صلح و تقویت خشونت و جنگ دانسته است. یک سال پس از جنگ غزه، اسرائیل برای دامن زدن به منازعات جدید، بارها به حملات هوایی در غزه دست زده و در طی این مدت ده ها فلسطینی را به دلایلی واهی به قتل رسانیده و درست در اولین سال پایان جنگ غزه، یکی از رهبران حماس را در دوی، توسط یک تیم حرفه ای آدمکش ک ه تعدادشان به ۲۶ نفر می رسید، از فرار معلوم ابتدا شکنجه و تخلیه اطلاعاتی کرده و سپس به قتل رسانده است. در همه سال های پس از اعلام موجودیت اسرائیل، این کشور به ترور هدفمند رهبران فلسطینی دست زده است. مخصوصاً در این میان ترورخلیل الوزیرمطلب به "ابوجهاد" مرد شماره دو سازمان آزادیبخش فلسطین، در تونس، توسط موساد، هرگز از یادها نخواهد رفت. اسرائیل ترور این افراد را نه تنها در مناطق اشغالی بلکه با نقض آشکار حاکمیت

کشورهای دیگر، با حمایت ضمنی حامیان خود، در سایر نقاط جهان، به طور پیگیر پیش برده است. تمام اعمال اشغالگرانه و جنگ طلبانه و اقدامات تروریستی حکومت اسرائیل، در همه این سال ها، بدون مجازات مانده است. این در حالی است که هر گونه اقدام فلسطینی ها در مقابله با اسرائیل، با واکنش شدید و بی رحمانه این کشور و متحدانش پاسخ داده می شود.

حال برآستی اگر در این میان جای قاتل و مقتول عوض می شد یعنی اگر یک مقام عالی رتبه نظامی اسرائیلی در یک هتلی در دبی و یا هر جای دیگری توسط یک تیم ترور و آدمکش حماس، شکنجه می شد و به قتل می رسید، واگر در طول همین یکسال و چندی که از جنگ غزه می گذرد، به جای فلسطینی ها دهها اسرائیلی کشته می شدند، چه تبعاً تی می توانسته داشته باشد؟ از روسیه گرفته تا آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن و ... حماس را قویا محکوم می کردند و بیشترشان نمایندگان خود را با پیام های مخصوص، روانه تل آویو، پایتخت اسرائیل می نمودند. اکثر وسایل ارتباط جمعی جهان نیز بی وقفه اخبار مربوطه در صدر خ برهای خود قرار می دادند و در این میان شورای امنیت سازمان ملل، با درخواست آمریکا و انگلیس، در محکومیت حماس و ارسال پیام تسلیت و همدردی با دولت اسرائیل، تشکیل جلسه اضطراری می داد و آنگاه وظیفه اسرائیل در پس این زمینه سازی ها و بمباران های تبلیغاتی افکار عمومی جهان، شروع می شد: مجازات جنایتکارانه یک ملت در هم کوبیده شده و نیمه جان توسط یکی از مجهزترین ارتش های جهان برای تنبیه حماس. (یعنی دیوانگی محض. یعنی بکارگیری توپخانه برای زدن گنجشک. مثل همان کاری که ارتش روسیه سال هاست در چین انجام می دهد و به بهانه مبارزه با تروریسم، در نبردی کاملاً نامتوازن و نابرابر، آن سرزمین را چنان به ویرانی کشانیده که بی شباهت به یک قبرستان نیست.) قوانین سخت گیرانه بدون هیچ ترحمی در تمام مناطق اشغالی گسترش می یافت و بدنبال آن شهرک سازی ها در مناطق مذکور شدت پیدا می کرد و آنگاه ماموریت اصلی آغاز می شد:

موشک باران و به توپ بستن بزرگ ترین زندان جهان یعنی غزه که مردمانش در چنان وضع فاجعه باری قرار دارند که به نظرمی رسد اسرائیل قصد زنده به گور کردن شان را دارد (۱). برای مجازات این مردم بی دفاع، بمب از کرمی افتاد؛ مدارس، بیمارستان ها و خانه های مردم، به عنوان مراکز نیروهای حماس مورد اصابت موشک ها و بمب های "هوشمند" قرار می گرفت. به خاطر آنکه مجازات به طور کامل اجرا شود، لشکری از نیروی زمینی و تانک وارد غزه می شدند و کاری را که هوایماهای جنگی نتوانستند به پایان برسانند، به انجام می رساندند و برای شان مهم هم نبود که زنان و کودکان فلسطینی در مواجه با آنان پارچه سفید تکان می دهند. طبق دستوری که داشتند، برای بوجود آوردن فضای ترس و وحشت، با خونسردی هرچه تمامتر و با وجدانی آسوده، آنان را به گلوله می بستند (همه این ها البته اراجیف و دروغ های مخالفان دولت یهود نیست، بلکه گزارشات گروه حقیقت یاب سازمان ملل، شورای حقوق بشر سازمان ملل، نهاد اسرائیلی "صلح هم اکنون" و افشارگری تعدادی از سربازان ارتش اسرائیل در جریان جنگ سه هفته ای غزه است که بسیاری از این جنایات را بر ملا ساخته است) و درست در اوج این مجازات دسته جمعی، هنگامیکه افکار عمومی جهان خواهان پایان دادن به این تهاجم و خشونت می شد و شورای امنیت سازمان ملل (۲) خواهان توقف فوری حملات و برقراری فوری آتش بس می گردید، آمریکا در حمایت از اسرائیل ابتدا تلاش می کرد نشست شورای امنیت به تعویق بیافتد تا مجازات با فرصت کافی به هد ف های خود برسد (این ماجرا را همه در جریان بمباران های کور و وسیع اسرائیل علیه مناطق مسکونی بیروت به خوبی به یاد دارند) و در قدم بعدی، هنگامی که ادامه حملات نظامی اسرائیل بر علیه مردم بی دفاع محکوم می گردید و پایان دادن فوری به عملیات خواسته می شد، باز هم آمریکا و اح تمالاً در کنار آن، انگلیس خواهان محکومیت هم زمان حماس می شدند و در غیر این صورت از تصویب قطعنامه فوق، ممانعت به عمل می آوردند و به این طریق به اسرائیل برای ادامه جنایت چراغ سبز نشان میدادند و در عین حال سعی می کردند اسرائیل را یکی از طرفین قربانی نشان دهند و جای اشغالگر و اشغال شونده را وارونه جلوه میدادند.

در این میان احزاب و سازمان های طرفدار اسرائیل در سراسر جهان، موضع آمریکا را می ستودند و به سادگی به قطع فوری کشتار، رضایت نمی دادند. و این به این معناست تا حماس هم در قطعنامه شورای امنیت محکوم نگردیده، بگذار مردم فلسطین زیر بمب باران های هولناک کشته شوند و معرض بمب های باران های هوایی بی وقفه آغاز می شد. تنها نیروگاه کوچک برق غزه در همان لحظات اولیه

فسفری (که در جریان جنگ غزه - اسرائیل با سماجت تمام استفاده از آن را رد می کرد اما حالا پس از تأیید آن توسط سازمان ملل، به است فاده از آن اعتراف می کند) قرار گیرند.

جالب این جا است بخشی از چپ ها، که مثلا خدای ناکرده نمی خواهند به قاطعیت شان در برابر بنیادگرایان حماس خدشه ای وارد شود، شاید بدون آنکه خود بخوانند، با عدم تشخیص شرایط مناسب برای پیش بردن سیاست درست، تحت عنوان صدای سوم، در برهه زمانی مورد بحث، عملا به حامیان سیاست آمریکا در شورای امنیت تبدیل می شدند. تردیدی نیست حماس (۳)، که از ابتدا توسط عربستان سعودی و با حمایت سرویس های امنیتی اسرائیل برای مقابله و تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین و مخصوصا شخص یاسر عرفات شکل گرفته بود، جریان ی است خطرناک و ارتجاعی که مسلما بلای جان مردم فلسطین است که میتوان و باید به افشای آن پرداخت. نه فقط حماس، بلکه باید به مقابله فعال در برابر هرگونه ارتجاع مذهبی و مخصوصا بنیاد گرایی اسلامی پرداخت که امروزه حضور خود را در سراسر خاورمیانه، آفریقا و آسیای مرکزی و میانه گسترش داده و قبل از هر چیز توسط امپریالیسم و سرمایه داری جهانی در هراس از گسترش آگاهی مردم، به جان آنان انداخته شده اند. همه این حقایق اما ربطی به آن ندارد که برای توقف یک کشتار بزرگ، شرط و شروط گذاشته شود. هرگونه قتل و عام مردم باید بدون هرگونه قید و شرط قویا محکوم و متوقف گردد. نباید شرایط کشتارها و نسل کشی های بزرگ را با جنگ های عادی و مبارزات معمولی (حتی تحت شرایط مبارزات ضد دیکتاتوری که احزاب و سازمان های سیاسی مخالف در بسیاری از عرصه ها رودر روی یکدیگر قرار می گیرند و به جان هم می افتند) یکسان گرفت. مثلا بسیار سفیهانه است هنگامی که یهودیان در اتاق های گاز قتل و عام می شوند، کسی بیاید بحث صدای سوم را پیش بکشد و بخواهد در اوج این آدم سوزی ها، با ارتجاع و بنیاد گرایی یهود که آنها هم مورد خشم فاشیست ها قرار داشتند، تصفیه حساب و مرز بندی کند! چنین سیاستی جز تقویت نژاد پرستان هیتلری معنای دیگری نمی تواند داشته باشد و دستگاه آدمکش هیتلری در شرایط مورد بحث، مسلما از آن استقبال می کرد.

در جنگ غزه هم همینطور، آن هایی که در اوج کشتار به دنبال این می کردند تا مرز خود را با جریان های ارتجاعی فلسطینی روشن کنند، به طور آگاهانه تنها سفاهت فکری خود را نشان نمی دهند بلکه در عمل و به طور غیر مستقیم، نژاد پرستی دولت اسرائیل را نیز تقویت می کنند. نژاد پرستی ای (۴) که نه فقط نابودی و آواره کردن فلسطینی ها را به طور کامل در دراز مدت تدارک می بیند بلکه در همه سال های پس از شکل گیری اش، هیچ گاه نتوانسته امنیت واقعی را برای شهروندانش به ارمغان آورد و با پیش گرفتن سیاست جنگ دایمی (که از قرار معلوم به بخش مهمی از شیوه تولید آن تبدیل شده) تنها باعث تقویت بنیادگران مرجع در هردو سوی دعوا شده است. اسرائیل با ادامه سیاست کنونی خود روی آرامش نخواهد دید و اگر فلسطینی ها در درون سرزمین شان زندانی و در محاصره هستند، اسرائیل نیز با برپایی یک دژ عظیم نظامی، در عین حال آسیب پذیر، دیواری مری و نامرئی گرداگرد خود بر پا نموده و به دست خویش خود را در انزوا قرار داده است. راه پایان دادن به این همه کشتار و دشمنی این است که دولت اسرائیل به صلح واقعی گردن بگذارد و از تلاش های کارشناسانه در این راه دست بردارد و بگذارد دو ملت اسرائیل و فلسطین در کنار یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند. دولت اسرائیل اگر اراده لازم جهت برقراری برای یک صلح عادلانه (حداقل بر اساس دو دولت مستقل اسرائیلی و فلسطینی و عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ و حل عادلانه آوارگان فلسطینی برپایه خواست سازمان ملل و جامعه جهانی) با فلسطینی ها از خود نشان دهد، دارای امکانات بسیار بزرگ و نیرومندی است که می تواند آن را تحقق بخشد و هر مانعی را از سر راه بردارد. این موثرترین راه برای پرسرچا نشانیدن مرتجعین و مخالفان صلح در هردو سوی ماجراست. متأسفانه از آنجایی که این اراده لازم در اسرائیل سست است و در عوض اراده جنگ در آن بسیار نیرومند، در چشم انداز قابل پیش بینی، منطقه همچنان دست خوش اشک و آتش و خون خواهد بود. اسرائیل حتی به طرح صلح اعراب که به ابتکار عربستان سعودی عرضه شده نیز بی اعتنا است. طرح صلحی که در آن امتیازهای قابل ملاحظه ای برای اسرائیل در نظر گرفته شده و همانطور که در آن طرح پیش بینی شده، در صورت موافقت اسرائیل با آن، امنیت اسرائیل توسط کشورهای عربی تضمین خواهد شد و همه این کشورها ضمن به رسمیت شناختن اسرائیل، رابطه همه جانبه دیپلماتیک، اقتصادی و ... با آن کشور خواهند داشت.

اسرائیل باید بداند که فرصت برای صلح همیشه بر روی میز قرار ندارد و دارای حامیان قدرتمند ابدی نخواهد بود و خوب است به خاطر بیابرد به

لحاظ تاریخی و مذهبی نیز، این قدرت های غربی بوده اند که آنان را با توسل به کوچک ترین بهانه ای قتل عام کردند و در همین جنگ جهانی دوم بود که سربازانی با پرچم صلیب شکسته، دست به کشتار چند میلیونی آنان زدند و نام وحشت آور هولوکاست که خود بزرگترین جنایت در تاریخ علیه یک قوم بوده بازگوئی بسیاری از حقایق است. اعراب و مسلمانان شاید پسر عموی خوبی برای قوم یهود نبودند (هم مسلمانان و هم یهودی ها به اضافه مسیحیان جزو پیروان ادیان ابراهیمی هستند) و در اینجا و آنجا دست به اذیت و آزار شان زدند، اما هرگز به کشتار عمومی علیه آنان دست نزدند زیرا که آنها هرگز این قوم را عامل به صلیب کشیدن پیامبر خود نمی دانستند و قرن ها در کنار هم زیسته اند.

از قدیم گفته اند، آدم عاقل خاتمه همسایه را به آتش نمی کشد زیرا شعله آن بالاخره دامن او را نیز خواهد گرفت. اسرائیل برای حفظ خودش هم که شده باید آتش را فرو نشاند؛ همانطور که با درپیش گرفتن سیاست اشغال و جنگ های بی رحمانه، مخالفت زیادی را در دنیا علیه خود برانگیخت، در صورت روی خوش نشان دادن به صلحی عادلانه و تحقق آن، جهانی را در کنار و همراه خود خواهد داشت.

زیر نویس ۱:

۱- داستان غزه دارد به یکی از داستان های غم انگیز رنج بشریت در تاریخ معاصر تبدیل می شود. اسرائیل حتی در برخی موارد دست به تخریب منابع آب فلسطینی ها می زند. عفو بین المللی در گزارش خود اسرائیل را متهم کرده که " اهالی غزه را از حداقل آب آشامیدنی محروم کرده " و آن را تبعیض آشکار علیه فلسطینی ها دانسته و اضافه کرده که " محاصره غزه باعث اختلال و بحران در سیستم آب آشامیدنی و فاضلاب شده و اسرائیل مانع از ورود مواد ساختمانی لازم برای تعمیر سیستم های مزبور می شود و از ورود دارو و کیسول های اکسیژن برای بیمارستان ها جلوگیری می کند" و حتی در یک مورد مانع از ورود ماکارونی به غزه شد.

اسرائیل معتقد است موادی که در بالا به آنان اشاره شد، میتواند در ساخت سلاح و مواد منفجره به کار رود. درست به همین دلیل، ویرانی ناشی از تهاجم سال قبل اسرائیل همچنان پایرجاست و بازسازی غزه تقریبا امکان ناپذیر شده است. دولت اسرائیل اگر قدرت آن را داشت احتمالا از گردش آزاد هوا و اکسیژن در غزه جلوگیری به عمل می آورد و آن را در رده مواد خطرناکی قرار می داد که می تواند برای انفجار به کار گرفته شود. دبیرکل سازمان ملل اخیرا در جریان بازدید از نوار غزه بار دیگر پشت از ادامه محاصره اقتصادی در غزه انتقاد کرده و "جان هولمز" معاون دبیرکل سازمان ملل و هماهنگ کننده این سازمان در امور بشردوستانه، محاصره اقتصادی غزه در پاسخ به اسارت در آورده شدن یک درجه دار ارتش اسرائیل

در چهار سال قبل را غیر قابل قبول دانسته و خواهان پایان یافتن آن شده است. این مقام همچنین هشدار داده که برا ثر محاصره غزه، هیچ نشانه ای از رشد و توسعه در آن دیده نمی شود و این منطقه در شرایط سقوط و اضمحلال همه جانبه قرار دارد.

۲- در تاریخ سازمان ملل، علیه هیچ کشوری چون اسرائیل، به دلیل زیر پا گذاشتن پیمان های بین المللی، قطعنامه صادر نشده و این کشور به همه

کنوانسیون های جهانی در خصوص رعایت حقوق بشر و همچنین احترام به حقوق مردم مناطق اشغالی، کاملا بی اعتنا بوده و چون از حمایت کشورهای قدرتمند برخوردار است، برای عدم توجه به اجرای قطعنامه های سازمان ملل، هرگز مورد مجازات قرار نگرفت. طبق کنوانسیون های بین المللی، نیروی اشغالگوباید از خشونت علیه مردم بومی خودداری ورزد و از جابجایی اجباری جمعیت امتناع کند و مانع آسایش و امنیت اهالی نگردد و از دست زدن به هرگونه عملی که نقشه و مرز مناطق اشغالی را تغییر دهد، دوری جوید و در صورت هرگونه وارد آوردن خسارات احتمالی، باید آن را جبران نماید. حکومت اسرائیل با پررویی تمام (که یاد آور کشورگشایی در عصر بربریت است)، در مناطق اشغالی و با تحت محاصره اش، نه فقط به همه این ها بی اعتنا است بلکه با برپایی دیوار آبار تااید - آن هم نه در درون خاک خود بلکه با غصب زمین های کشاورزان فلسطینی و برپایی دیوار در خاک آنان- آشکارا قوانین بین المللی را زیر پا می گذارد و خود را متعهد به رعایت حقوق مردم در مناطق اشغالی نمی داند.

شهرک سازی های بی در پی حکومت اسرائیل در سرزمین های اشغالی حتی در مناطق تحت نفوذ تشکیلات خودگردان فلسطینی در ساحل غربی اردن- که بسیاری از شرایط اسرائیل برای مذاکرات صلح و تسلیم را پذیرفته- و همچنین خراب کردن خانه های اعراب در بیت المقدس شرقی، نقص آشکار قوانین بین المللی است. معلوم است که در چنین شرایطی، هنگا می که فلسطینی ها خود را بی پناه و درمانده می یابند، به مرتجعانی چون حماس پناه می برند و حکومت های مرتجعی چون رژیم عوامفریب جمهوری اسلامی نیز برای پیش بردن اهداف ارتجاعی خود، از این

وضعیت، بیشترین سود را می‌برد و تلاش می‌کند خودشان را مدافع مردم فلسطین نشان دهند. علاوه بر این، اسرائیل برای آنکه نسل‌کشی خود را با دستی‌بازتر پیش‌برد و برقراری هر نوع آرامش و صلح را امکان‌ناپذیر سازد، به شدت مخالف استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه است. این درحالی است که همه جریان‌های فلسطینی همیشه خواهان حضور نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در منطقه بوده‌اند. این همین ممانعت از ورود نیروهای سازمان ملل خود به تنهایی‌گواه این نیست که چه کسی به پیشبرد سیاست جنگ و کشتار، به دور از چشم جهانیان، اصرار می‌ورزد؟

۳- ذکر چند نکته درباره حماس ضروری است؛ اولاً

حماس در جریان یک مبارزه انتخاباتی اکثریت پارلمانی را کسب کرد که به گفته ناظران بین‌المللی، انتخاباتی بوده است سالم و جیمی‌کارتر رییس جمهور سابق آمریکا که معمولاً جریان‌های انتخاباتی را در مناطقی آشوب زده جهان از نزدیک دنبال می‌کند، سلامتی آن را درک‌ناپذیر کرد. شخص محمود عباس و تشکیلات دولت خودگردان نیز نتایج آن را پذیرفتند. در این میان آمریکا و اسرائیل که پیشاپیش به مردم فلسطین اخطا داده بودند پیروزی حماس را نخواهند پذیرفت (یعنی بی‌شرمی عربان و دخالت آشکار در امور دیگران، یعنی توهین به شعور یک ملت). آیا آمریکا تا به حال به خود اجازه داده که در انتخابات اسرائیل، مردم آن کشور را تهدید کند به کدام حزب رای دهند و یا رای ندهند؟ (و چنین نتیجه‌ای می‌تواند برای شان هزینه سنگینی داشته باشد، از همان ابتدای پیروزی حماس، شروع به کار شکنی کردند و دولت تحت حمایت حماس را که نتیجه رای تقریباً آزاد مردم بود، هرگز به رسمیت نشناختند و بدین وسیله زمینه خشونت و جنگ‌های دیگری را فراهم آوردند. برخی از دولت‌های دیگر - از جمله برخی از دولت‌های متحد اسرائیل - که متوجه نشانه‌های تغییر در سیاست‌های حماس شده بودند قصد داشتند دولت تحت کنترل حماس را برسمیت بشناسند تا با ایجاد رابطه و مرادودر پیش گرفتن سیاست‌های تشویقی، حماس را به پذیرفتن آغاز مذاکرات صلح متقاعد سازند. اما تمایل این دولت‌ها برای این منظوری مخالفت شدید آمریکا و اسرائیل مواجه گردید و به شکست کشانیده شد.

ثانیاً: آنانی که می‌خواهند رای دادن فلسطینی‌ها در غزه را تحت

اجبار حماس و یا کمک‌های مادی به مردم و در کنار آن خریدن رای مردم توسط آن بدانند، ضمن دیدن بخشی از حقایق، حقیقت بزرگتری را نادیده می‌گیرند: حماس رای مردم را قبل از هر چیز بدنبال بی‌عدالتی باور نکردنی و روزمره اسرائیل علیه مردم فلسطین کسب کرد؛ درحالی که متأسفانه تشکیلات خودگردان و شخص آقای محمود عباس، به یک جنازه سیاسی مبدل شده بود و آشکارا فلسطین را به بهانه مذاکرات صلح، می‌فروختند. جریان عقب‌مانده‌ای چون حماس، توانست رای و دل مردم غزه را به دست آورد. بزرگ‌ترین عامل پیروزی حماس، سیاست‌های وحشیانه اسرائیل علیه مردم فلسطین و درماندگی تشکیلات خودگردان در ایستادگی در برابر آن بوده است.

ثالثاً: برخلاف بسیاری از تصورات رایج، این طور نیست که حماس همواره خواهان جنگ با اسرائیل باشد، اگرچه حماس حاضر به رسمیت شناختن اسرائیل نیست و حق به کارگیری قهر علیه آن را برای خود محفوظ می‌داند اما به شرایط نه جنگ و نه صلح یعنی نوعی آتش‌بس دراز مدت با آن اعتقاد دارد، و این را بارها پس از به قدرت رسیدن اعلام کرده است. هم ایالات متحده و هم اسرائیل به این دلیل که حماس اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد، این موضع جدید حماس را عمداً نادیده گرفتند. اینکه دولت‌ها در شرایط نه جنگ و نه صلح باشند و یا یکدیگر را به رسمیت نشناسند امر تازه و ناشناخته‌ای نیست و لزوماً به جنگ هم کشیده نمی‌شود؛ مثلاً روسیه و ژاپن به خاطر اختلاف بر سر جزایر "ساخالین" که متعلق به ژاپن بوده و در جنگ جهانی دوم به اشغال روسیه درآمده و تا به امروز در تصرف آن قرار دارد، هرگز پیمان صلح امضا نکردند و تا به امروز در حالت نه جنگ و نه صلح اما در شرایط آتش‌بس بر سر می‌برند. همین‌طور ایران و عراق، کره شمالی و کره جنوبی نیز به نوعی در همین وضعیت قرار دارند و بدتر از همه این‌ها، رابطه میان چین و تایوان است که اصلاً یکدیگر را به رسمیت نمی‌شناسند اما امروز بین شان جنگ وجود ندارد. بنابراین، اجبار دیگران برای آنکه اسرائیل را به رسمیت بشناسند، با خود پیام تجاوزکارانه دارد.

رابعاً: زنده‌یاد یاسر عرفات، به رغم همه خطاهایی که در دوره زندگی سیاسی خود مرتکب شد، یک کار بزرگ انجام داد و آن بازگرداندن و نهادینه کردن هویت و شخصیت تاریخی ملت فلسطین بود؛ ملتی که بسیاری کلوش را تمام شده می‌دانستند. اسرائیل به همین دلیل همیشه کینه عرفات را به دل داشت و هرگز او را نبخشید و با زندانی کردن خانگی او، در سال‌های آخر عمرش، از وی انتقام گرفت. اما کار دیگری که عرفات انجام داد

که گناه آن از نظر اسرائیل کمتر از مورد اول نبود، به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی عرفات بود (یاسر عرفات اولین فلسطینی و شاید از اولین عرب‌هایی بود که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت). اسرائیل که برای توجیه همه ظلم‌هایی که در حق فلسطینیان روا می‌داشت، به دشمنانی نیاز داشت که آن را به رسمیت نشناسند، با این موضع‌گیری عرفات، ناگهان ضربه بسیار سختی خورد و بهانه بزرگی را از دست داد. ماجرای حمایت اسرائیل در شکل‌گیری حماس و آزادی عمل دادن به آن در ابتدای کار، دقیقاً برای تضعیف عرفات و سازمان آزادیبخش فلسطین طراحی شد و به وجود آوردن دشمنی که با اسرائیل سرچنگ داشته باشد تا اسرائیل با سنگر گرفتن پشت آن، اهداف خود را برای بلعیدن تمام فلسطین پیش ببرد. مصیبت بزرگ برای اسرائیل هنگامی خواهد بود که حماس آن را به رسمیت بشناسد و به صلح پایدار با آن تن در دهد. بنابراین کسانی که نیمی از آتش به پا شده را به پای حماس می‌نویسند و تصویری کنند که اگر جانورانی چون حماس وجود نداشتند همه چیز به خوبی پیش می‌رفت، شناخت خیلی روشنی از مسایل مربوط به منطقه و به ویژه سیاست‌های اسرائیل و نحوه شکل‌گیری دولت یهود ندارند. اگر امروز حماس و سیاست‌های آن وجود نداشت (حماس در سال ۱۹۸۷ اعلام موجودیت کرد) همان‌طور که در دهه‌های اول شکل‌گیری اسرائیل وجود نداشت، باز هم صورت مسئله فرق چندانی نمی‌کرد و باز هم حوادث مصیبت‌باری مانند غزه اتفاق می‌افتاد تاریخ خونبار این سرزمین مخصوصاً در چند دهه اول، خود گویای این حقیقت است.

۴- برخی از روی کم‌اطلاعی و تحت تأثیر قرار گرفتن تبلیغات، باورشان شده که در اسرائیل نظام و ابعاد مکرانیک وجود دارد. در این رابطه ذکر این نکته لازم است: اسرائیل شاید تنها کشور جهان است که قاعدتاً قانون اساسی است و دارای قانونی است به نام "قانون پایه". از ابتدای شکل‌گیری اسرائیل، به دلیل وزن بالا و مخالفت شدید مرتجعین مذهبی و خاخام‌ها، این کشور نتوانست صاحب یک قانون اساسی شود که در آن خود را قانونا دولتی غیر دینی و سکولار معرفی کند. در عوض دارای "قانون پایه" شد که اسرائیل نه سرزمین همه اسرائیلی‌ها بلکه رسماً به عنوان یک دولت یهود معرفی شد؛ یعنی یک دولت آپارتاید. دقیقاً به این خاطر جمعیت تقریباً بیست درصدی غیر یهودان - چه مسلمان و چه مسیحی و چه غیره - شهروندان درجه دوم به حساب می‌آیند؛ حتی اگر مثل یهودی‌ها و ارامنه ایران در پارلمان نماینده داشته باشند. در این سرزمین مخصوصاً در روزهای ویژه یهودیان، اعراب اسرائیلی در محلات و خانه‌هایشان محصور می‌شوند و آزادی آمد و رفت از آنان سلب می‌شود و هنگامی که مراسم و آیین‌های اعراب اسرائیلی فرا می‌رسد، با فشار و محدودیت‌های فراوانی از سوی دولت اسرائیل روبرو می‌شوند. بر طبق قوانین اسرائیل، تنها احزابی حق فعالیت سیاسی دارند که دولت یهود را به رسمیت بشناسد (قابل توجه کسانی که حکومت اسرائیل را دموکراتیک می‌دانند). برسمیت شناختن کشور اسرائیل برای برای بدست آوردن حق فعالیت سیاسی کافی نیست. رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و بسیاری از دیکتاتورها و سلطان‌نشینان منطقه خاورمیانه چنان خصومت و دشمنی و وحشیانه‌ای با مردمان سرزمین خویش دارند که بعضی‌ها فریب برخی از جوانب به‌ظاهر دموکراتیک اسرائیل را می‌خورند و آن را نظامی مبتنی بر قوانین دموکراتیک می‌پندارند. علاوه بر این‌ها، براساس مرکز آمار فلسطینی (P.C.B.S) بیشتر از هفت هزار فلسطینی در زندان‌های اسرائیل در اسارت بسر می‌برند که دویست و هفتاد نفرشان زیر هیجده سال هستند. از این تعداد هشتصد نفر به حبس ابد و پانصد و هفتاد نفر به بیش از پنجاه سال زندان محکوم شده‌اند. طبق آمار گزارش گروه‌های حقوق بشری، هر ساله حدود نه هزار فلسطینی توسط نیروهای اسرائیلی بازداشت می‌شوند که از این تعداد هفتصد نفرشان نوجوان و کودک هستند. همه این‌ها تنها گوشه‌ای از رنج و مشقت مردم فلسطینی است. در برابر هزاران فلسطینی که در زندان‌های اسرائیل در اسارت قرار دارند، تنها یک سرباز اسرائیلی در اسارت حماس قرار دارد. آیا می‌توان به بهانه آزادی یک سرباز (همه اسیران دو طرف باید بلافاصله آزاد شوند و در غیر این صورت در اختیار نهاد‌های بین‌المللی بشری قرار داده‌گردند)، یک میلیون و نیم انسان را تحت محاصره اقتصادی شدید قرار داد و اینچنین به گروگان گرفت؟ معلوم است که این کینه‌توزی مفرط، ریشه در تفکرات نژاد پرستانه دولت اسرائیل دارد که باید به آن پایان دهد. دموکراسی در دولت مدرن و جامعه پیشرفته مدنی اسرائیل به یک معنا وجود دارد؛ اما عمدتاً برای طرفداران دولت یهود که می‌توان آن را به گونه‌ای با دموکراسی یونان باستان مقایسه کرد که دموکراسی فقط در انحصار برده‌داران بود و نه همه جامعه و بردگان. در پایان خوب است این سخن بومعز مارکس را به خاطر داشته باشیم: ملتی که ملت دیگری را در اسارت داشته باشد، خود نمی‌تواند آزاد باشد.

۲۸ آوریل ۲۰۱۰

بازهم در مورد هدفمند شدن یارانه ها دیدگاه های متفاوت

صادق افروز

نظر به اهمیتی که عملی شدن قانون حذف سوبسید ها (هدفمند شدن یارانه ها) در زندگی اقتصادی ایران بازی خواهد کرد ، اقتصاددانان و تحلیلگران سیاسی که مسائل ایران را از نزدیک دنبال می کنند آن را مورد توجه خود قرار داده اند . از جمله این تحلیل گران ، جواد صالحی اصفهانی است که در دانشگاه هاروارد تدریس می کند و اخیرا مقاله ای از او در همین زمینه در نشریه مانثلی ریویو به چاپ رسیده است .

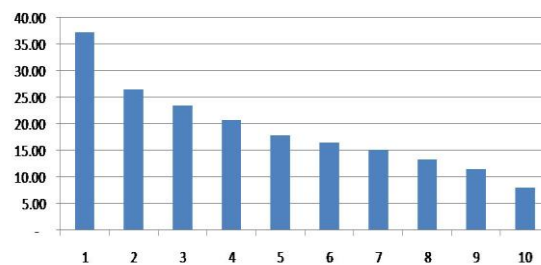
پس از اشاره به مخالفت مجلس با در اختیار قرار دادن 40 میلیارد دلار درآمد حاصله از حذف سوبسید ها و موافقت با تنها 20 میلیارد دلار ، صالحی اصفهانی احتمال افزایش تورم را حتی تا میزان 50 درصد رد نمی کند ولی در مورد افزایش فقر تردید نشان می دهد . برای اثبات نظر خود و در دفاع از این قانون ، اصفهانی جدول زیر را که از آمار های منتشره در سال 2007 استنتاج کرده است مورد استفاده قرار می دهد

Deciles	Per capita expenditures	Subsidy per capita (rials per year)				Share in total subsidy (percent)			
		Bread	Gasoline	Natural gas	Electricity	Bread	Gasoline	Natural gas	Electricity
1	3,180,452	537,625	146,993	228,695	271,186	9.40	2.43	4.10	4.19
2	5,561,280	569,989	200,708	330,132	368,782	9.96	3.32	5.92	5.70
3	7,289,453	591,272	252,110	424,323	436,719	10.33	4.17	7.62	6.75
4	9,117,613	588,636	334,966	463,206	503,558	10.29	5.55	8.31	7.78
5	11,165,132	581,957	357,835	507,877	551,987	10.17	5.93	9.11	8.53
6	13,561,173	577,863	478,430	568,339	608,101	10.10	7.92	10.20	9.40
7	16,689,699	569,847	582,297	652,067	712,700	9.96	9.64	11.70	11.02
8	21,211,878	573,981	815,107	669,535	759,656	10.03	13.50	12.02	11.74
9	28,695,934	560,607	1,072,590	764,976	884,681	9.80	17.76	13.73	13.68
10	58,536,508	569,671	1,797,677	962,691	1,371,505	9.96	29.77	17.28	21.20
Average	17,499,446	572,145	603,871	557,194	646,888	100.00	100.00	100.00	100.00

در این جدول مردم به ده قسمت تقسیم شده اند و هر قسمت را یک دهک می گویند . دهک اول فقیر ترین و دهک دهم ثروتمند ترین افراد جامعه را شامل می شود . بر اساس این جدول آنهایی که در دهک های ثروتمند تر قرار می گیرند در صد بالاتری از سوبسید ها را به خود اختصاص می دهند . اگرچه به نظر می رسد در مورد نان دهک های مختلف از میزان برابری از سوبسید استفاده می کنند ولی در مورد

انرژی این میزان یک اندازه نیست و دهک های بالایی مصرف به مراتب بیشتری دارند . در مقایسه بین دهک اول و دهک دهم مشاهده می شود که دهک اولی که فقیر ترین بخش را شامل می شود تنها 146993 ریال سوبسید بنزین را به خود اختصاص می دهد در حالی که دهک دهم 1797677 ریال را به خود اختصاص می دهد . علیرغم آنکه سوبسید ها در فقیر ترین دهک نسبت به ثروتمند ترین دهک کمتر است ولی در صد بالاتری از کل مخارج او را تشکیل می دهد . اصفهانی جدول دیگری ارائه می دهد که در واقع بیانگر درصد سوبسید ها در کل مخارج دهک هاست .

Share of subsidy in expenditures (percent)



این جدول بیانگر این واقعیت است که سوبسید ها در صد بالاتری از مخارج را در دهک های فقیر تر شامل می شوند . اصفهانی معتقد است با عملی شدن قانون به دلیل آنکه دولت به دهک های پایینی مستقیما پول پرداخت می کند این قانون به نفع آنان خواهد بود . آنها اگرچه از بابت قطع سوبسید ها در حدود 360 دلار سالانه از دست خواهند داد ، ولی در عوض 710 دلار از دولت دریافت خواهند کرد . در مقام دفاع از این قانون ، اصفهانی می گوید چون این قانون هم از طرف راست ها و هم از طرف چپ ها مورد انتقاد قرار گرفته ، باید در مسیر صحیحی قرار داشته باشد . اگر این شیوه استدلال را بپذیریم آنوقت حکومت کره شمالی ، طالبان در افغانستان ، نژادپرستان صرب و راهزنان دریایی سومالیایی و آدم خواران دارفوری هم به دلیل مورد انتقاد قرار گرفتن از طرف راست و چپ در مسیر صحیحی قرار دارند .

مقاله دیگری در همین مورد توسط عبدالرضا غفرانی نوشته شده و در سایت پرس تی وی به چاپ رسیده است . غفرانی هم مثل اصفهانی از موضع دفاع از قانون هدفمند شدن یارانه ها مقاله اش را نگاشته است . با این تفاوت که مقاله او در نشریه متعلق به جمهوری اسلامی کره شمالی رسیده است و مقاله اصفهانی در نشریه به اصطلاح وزین و ضد امپریالیستی مانثلی ریویو منتشر شده است . هر دوی این ها هدفمند شدن یارانه ها را بطور آکادمیک ، دانشگاهی و انتزاعی مورد بررسی قرار می دهند . اصلا به این واقعیت کاری ندارند که در ایران یک دولت فاشیست بر سر کار است که هر صدای اعتراضی را خفه می کند و به برکت همین سرکوب حکومت گران میلیارد ها دلار از ثروت و سرمایه های مردم را به حساب های شخصی در خارج منتقل کرده اند . اصلا به این کار ندارند که حضرات به برکت جایگاهی که دارند آنقدر جنس پنچل وارد کرده اند که تولید داخلی را به شکست کشانده و بیکاری را به فجع ترین وجهی افزایش داده اند .

غفرانی مقاله اش را قبل از تصویب قانون هدفمند شدن توسط مجلس نوشته است ، اما اظهار امیدواری کرده است که این لایحه توسط مجلس به تصویب برسد . به زعم غفرانی قانون هدفمند شدن یکی از مهمترین قدم های اقتصادی است که دولت ایران در تاریخ اخیر در حال برداشتن آن است . از نظر این شخص تفاوتی بین سوبسید ها در کشور های صنعتی پیشرفته و کشور های به زعم او جهان سوم وجود دارد . در کشور های جهان سوم سوبسید به بخش فقیر جامعه تعلق می گیرد تا از گرسنگی جان ندهد در حالی که در کشور های پیشرفته سرمایه داری سوبسید به بخش تولید پیشرفته تعلق می گیرد . بقیه مقاله غفرانی وراجی در با ره حیف و میل کردن و اسراف بیش از حد مردمی است که به دلیل سوبسید ها پر هزینه و اسراف کن شده اند . نویسنده که واقعا صدایش از جای گرم در می آید در باره مضرات یارانه ها داد سخن می دهد و می گوید دولت ایران سالانه 90 میلیارد دلار خرج سوبسید می کند . ایرانی ها 19 امین کشور از لحاظ مصرف انرژی هستند مصرف سرانه انرژی در ایران 5 برابر اندونزی ، 4 برابر هندوستان و دوبرابر چین است . نویسنده ولی معترف است که مصرف نان در ایران بیشترین مقدار در جهان است . واقعا چرا ایرانی ها مجبورند برای پر کردن شکمشان آنقدر نان بخورند تا رکورد دار مصرف نان در جهان باشند ؟ بد نبود غفرانی تحقیقی هم درباره میزان مصرف گوشت در ایران می کرد . بسیاری از خانواده های ایرانی توانایی مصرف گوشت را بیش از یکبار در هفته یا حتی یکبار در ماه را نیز ندارند .

اپولوژیست های رنگارنگ جمهوری اسلامی اینبار نیز به کمک جمهوری اسلامی آمده اند . همانگونه که در متن بحران هسته ای دام " چرا اسرائیل داشته باشد و ایران نه " را پهن کردند و برای شعار های پوپولیستی ضد امپریالیستی احمدی نژاد هورا کشیدند و از نقش مثبت و مترقی جمهوری اسلامی در مناقشه اسرائیل - فلسطین و لبنان دفاع کردند ، اینبار نیز در محتوی قانون هدفمند شدن یارانه ها باری مترقی و مثبت می بینند . یازنده اصلی در این میان کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران هستند اگر توده های کار و زحمت نماینده و سخنگوی خود را در جامعه داشتند یعنی اگر حزب انقلابی طبقه کارگر در جامعه ایران وجود داشت ماهیت واقعی و تاثیرات بسیار مخرب عملی شدن این قانون را توضیح می داد . زحمتکشان ایرانی هنوز از عواقب عملی شدن این قانون و تورم افسار گسیخته ای که نان را از سفره های آنان خواهد ربود بطور دقیق با اطلاع نیستند .

از جمله کارشناسان اقتصادی که نظری متفاوت با اپولوژیست های رژیم دارند فریدون خاوند کارشناس اقتصادی مقیم پاریس است . خاوند با اشاره

به روشن نبودن شمار کسانی که از این یارانه ها بهره خواهند برد می گوید :

منطقی زورمندانه بدون دیدگاهی استراتژیک جنگ های بی پایان اسرائیل

Jean Paul CHAGNOLLAUD

برگردان : مجتبا مفیدی

تمامی جنگ های اسرائیل و عرب ها (۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳) تا قبل از گردش تاریخی منجر به توافقنامه صلح که در ۱۹۷۹ به امضای تل آویو و قاهره رسید جنگ هایی کلاسیک بودند : طرف های درگیر از ارتش های معمولی مجهز به سلاح ها و استراتژی های کلاسیک استفاده کرده اند. نیروی هوایی به همراهی تانک ها در زمین نقش تعیین کننده ایفا کرده است. ادامه حیات اسرائیل همیشه در پشت این درگیری ها حضور داشته، حتی اگر واقعیت تهدیدها به شدت بزرگ نمایی شده- به جز در جنگ ۱۹۴۸ که عاقبت آن نامعلوم بود.

نویسنده

Jean Paul CHAGNOLLAUD

ژان پل شانپو لو استاد حقوق دانشگاه سرژی، مدیر نشریه " درگیری های مدیترانه"، پاریس

تهاجم سونز در ۱۹۵۶ توسط یک ائتلاف سه جانبه فرانسه، انگلستان، و اسرائیل برای سرنگون کردن حکومت پرزیدنت جمال عب الدانصر صورت گرفت بدون اینکه دولت یهود هرگز در خطر قرار گیرد. در ۱۹۶۷، جنگ پس از هفته ها بحران با قاهره و دمشق توسط تل آویو آغاز شد. هرگز چه دولت و چه ستاد ارتش اسرائیل کمترین تردیدی در برتری خرد کننده نیروهای خود نداشتند. در اکتبر ۱۹۷۳، مصر و سوریه، پس از تدارک های دقیق، دست به ابتکار زدند. برای اولین بار پس از ۱۹۴۸، ارتش های عرب در دوجبهه به اسرائیل حمله کردند، در زمانی که به دلیل ایام عید کبیور، تدارک انتخابات قانون گذاری ۳۱ اکتبر و نیز ناتوانی سرویس های اطلاعاتی، از هشپاری کشور کاسته شده بود. غافل گیری نقش خود را به تمامی بازی کرد (۱). حتی در این شرایط، موجودیت حکومت اسرائیل به هیچ وجه مورد تهدید واقع نشد. قاهره و دمشق فقط پس گرفتن سرزمین های اشغال شده ۱۹۶۷ را در نظر داشتند و ایالات متحده مراقب منافع حیاتی متحدهش بود.

از ۱۹۷۳، اسرائیل هیچ درگیری مستقیم با یک دولت عرب نداشته است (۲): هیچ یک از این دولت ها قادر به یک مقابله نظامی نیستند، حتی با در نظر گرفتن تحول های استراتژیکی ناشی از ورود موشک های قاره پیمای. بدین ترتیب جنگ تغییر ماهیت داده است. از این به بعد یک ارتش کلاسیک به طور عمده مجهز به سلاح های «سستی» (تانک و هواپیما) با سازمان های چریکی می جنگد. معذالک این تغییر بنیادی با سکوت برگزار شده و اسرائیل کماکان چنانکه گویی آینده اش به خطر افتاده است اقدام می کند.

در این تحول سال ۱۹۸۲ یک نقطه عطف بحساب می آید. در واقع در بهار این سال بود که آخرین سرباز اسرائیل ی، بر طبق توافق نامه صلح بین قاهره و تل آویو در ۱۹۷۹، صحرای سینا را ترک کرد، درحالی که چند هفته بعد، ارتش اسرائیل برای اقدام به نابودی سازمان آزادی بخش فلسطین به لبنان حمله می کند. نخست وزیر مناخین بگین (۳)، با حمایت وزیر دفاعش آریل شارون، یک استراتژی روشن را پیش می برده است. صلح با قوی ترین دولت عرب به او امکان داد تا به نظر جهانیان یک فرد صلح طلب به نظر آمده (برنده جایزه صلح نوبل در ۱۹۷۸)، امنیت کشورش را برای مدتی طولانی تامین کرده و تمام کوشش خود را بر سرزمین های فلسطینی (اورشلیم، ساحل غربی اردن و غزه) متمرکز کند، بر سرزمین هایی که او به شدت دنبال گسترش کنترل خود بر آنها بود- به همین دلیل طرح وسیع شهرک سازی در سرزمین های فلسطینی آغاز شد.

واژگان هولوکوست

علیرغم علم کردن مقایسه یاسر عرفات با آدولف هیتلر، بین بیروت و برلین نازی، و فعال کردن مجدد سخنوری در باب «هولوکاست جدید»، این حملات بر علیه سازمان آزادی بخش فلسطین و متحدان لبنانی آنها یک دوره درگیری نابرابر راه می اندازد که در آن اسرائیل در مقابله با سازمان های چریکی قرار می گیرد. در یکی از بهترین کتاب ها در باره این جنگ، دو کارشناس نظامی اسرائیل، «زه او شیف» و «اهود یاری»، چنین نتیجه می گیرند: «حاصل بلند پروازی های مردی سمج و بی احتیاط (شارون)، اشغال لبنان در ۱۹۸۲ بر پایه توهم و دروغ استوار بود، و ناگزیر باید با بدفراجمی پایان یابد...هیچ توجیهی برای این جنگ بیبوده و پر خرج وجود ندارد. بهترین نتیجه میتواند درس گرفتن از آن باشد(۴)

«کسی دقیقاً نمی داند چه مقدار یارانه نقدی قرار است به هر خانوار یا هر فرد ایرانی تعلق گیرد. کسی نمی داند از محل حذف تدریجی یارانه ها چه مقدار درآمد در اختیار دولت قرار می گیرد. عده ای می گویند ۱۰۰ هزار میلیارد تومان. گروه دیگری ۲۰۰ هزار میلیارد تومان. برای واحدهای تولیدی که با حذف یارانه ها دچار مشکلاتی می شوند، چه راه حل هایی در نظر گرفته شده است؟

با وضعیتی که این قانون قرار است اجرا شود، خود دولتیان هم تصور روشنی از اجرای آن ندارند. نکته دیگر این که ما یک «متولی» شناخته شده در مورد اجرای این قانون نداریم. می گویند سازمانی درست شده به نام سازمان هدفمند کردن یارانه ها. ولی آیا این سازمان است که باید جوابگو باشد در مورد نحوه اجرای قانون یا رئیس دولت؟

فریدون خاوند تاکیدی کند که به دلیل پانین نگاه داشته شدن نرخ ارز در ایران به شیوه مصنوعی، دولت به گونه ای یارانه به کالاهای وارداتی می پردازد. وارد کنندگان و تجار کالاهای خارجی از قبل این سیاست استفاده می کنند ..

«این وارد کنندگان هستند که از ارز یارانه ای استفاده می کنند و کالا وارد می کنند و آن را به جان تولید داخلی می اندازند. در حالی که تولید کننده ها و به ویژه صادر کنندگان به دلیلی همین ارز یارانه ای به شدت آسیب می بینند.

فریدون خاوند در پایان این بحث، این پرسش را مطرح می کند که: «آیا مبارزه با تورم از راه حفظ مصنوعی ارزش ارزهای خارجی، راه درستی است؟ آیا این باعث نمی شود که اصولاً تولید داخلی فرو باشد و صادرات غیرنفتی به شدت آسیب ببینند، همچنانکه این وضعیت در ایران به وجود آمده است؟

هادی زمانی دیگر کارشناس اقتصادی مقیم لندن است. به نظر او علت اصلی اصرار بیش از حد دولت احمدی نژاد در اختصاص ۴۰ میلیارد دلار ناشی از حذف یارانه ها نداشتن آن در خزانه دولت است. در همین زمینه او می گوید :

«دولت ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار کسری بودجه برای سال آینده دارد و حتی با اختصاص تمام درآمد نفت، این کسری تامین نخواهد شد. همچنین سیاست های خصوصی سازی هم در این شرایط به احتمال قوی پیش نخواهد رفت و درآمدی برای دولت نخواهد داشت. دولت نمی تواند کسری بودجه را از محل افزایش مالیات ها تامین کند، زیرا با رفتن کشور به سمت یک رکود اقتصادی، درآمدهای مالیاتی هم کاهش پیدا خواهد کرد. تنها امید دولت استفاده از درآمد حذف یارانه هاست که این هم کار غیرقانونی است زیرا قرار است این درآمد عمدتاً صرف فعالیت های عمرانی و کمک به مردم شود نه برای تامین کسری بودجه.»

مردم ایران سال ۸۹ را با نگرانی آغاز کرده اند. مردم با کنجکاو اخبار مربوط به قانون هدفمند شدن یارانه ها را دنبال می کنند. آنها بیش از هر زمان دیگری در پی دریافت جوابی برای این سوالات هستند :

بودجه دولت چقدر است؟
درآمد حاصل از فروش نفت چقدر است ؟
نوسانات حاصله از درآمد نفت چه تاثیری بر بودجه دولت می گذارد؟
کسری بودجه دولت تا چه میزان است ؟
چقدر از درآمد حاصل از فروش نفت در اختیار خامنه ای و سپاه و بسیج قرار می گیرد؟

آیا سازمان تامین اجتماعی در حال ورشکست شدن است ؟ آیا قادر به پرداخت حقوق بازنشستگان و بیمه های بهداشتی شاغلان خواهد بود؟
آیا هدف اصلی دولت از قطع سوبسید ها ایجاد درآمد برای مقابله با کسر بودجه است ؟

چرا دولت احمدی نژاد آنقدر در افزایش واردات بخصوص از آسیای شرقی اصرار می کند ؟ وارداتی که کمر تولید داخلی را شکسته است
میزان واقعی ارزی که سران و حکومتگران جمهوری از ایران خارج کرده و در بانک های خارج پس انداز کرده اند چه میزان است ؟ با بازگرداندن این ارز ها به ایران تا چه اندازه می توان اشتغال ایجاد کرد و از میزان بیکاری ها کاست؟

اردیبهشت ۱۳۸۹

متاسفانه، هیچ یک از رهبران اسرائیلی چنین نکردند. بر عکس، یک منطق زور فاقه هر نوع اندیشه استراتژیک دراز مدت تحمیل شده است. در اکتبر ۲۰۰۸، فرمانده منطقه نظامی شمال اسرائیل، ژنرال «گادی ایزنک» ، با اشاره به بمباران مرکز های سیاسی و فرهنگی حزب الله در ۲۰۰۶ که با خاک یکسان شده بود اعلام کرد: «آنچه در بیروت گذشت در هر دهکده ای که به اسرائیل شلیک کند تکرار خواهد شد... ما یک قدرت نا برابر را بر پا می کنیم...» (۵)

در طول سی سال گذشته دولت های متوالی تصمیم به حمله های نظامی دیگری گرفته اند: سرکوب نخستین انتفاضه در ۱۹۸۷-۱۹۸۸؛ عملیات «خوشه های خشم» بر علیه جنوب لبنان و حزب الله در ۱۹۹۶؛ عملیات «حفاظ» در ۲۰۰۲ در طول انتفاضه دوم؛ جنگ بر علیه حزب الله در ۲۰۰۶؛ حمله به حماس در غزه در ژوئن ۲۰۰۶ و نوامبر ۲۰۰۷ و سپس در دسامبر ۲۰۰۸ با عملیات «سرب سخت».

چگونه طرف مقابل جدید هدف این عملیات معرفی میشود؟ از نظر نظامی های اسرائیلی، فقط دو نوع دشمن وجود دارد: سرباز و تروریست. از آنجا که هیچ ارتش منظمی در مقابل ندارند، پس طرف مقابل تروریست است؛ هیچگونه مشخصه مقاومت برای طرف دیگر قابل نمی شوند چرا که این مشخصه به آنها و هدفی که دنبال میکنند مشروعیتی پرارزش داده و نیروی غالب را نامشروع می کند.

این عنوان انتخابی، که اصولاً سیاسی است، در درجه نخست در خدمت کسب مشروعیت و اعتبار بخشیدن به ایده «تهدید موجودیت» قرار دارد که غیر واقعی است. این یک واقعیت است که هیچ نی روی اشغالگر هرگز حاضر به پذیرش هویت مقاومت برای مخالف های خود نشده است، چه در الجزایر در دوران اشغال فرانسویها یا در آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید. دشمن همیشه تروریست بوده است.

تروریست نامیدن طرف دیگر قوانین بازی را نیز تغییر می دهد. از هنگامی که مبارزه با این نوع دشمن مطرح میشود، «همه چیز مجاز است» چرا که قوانین جنگی دیگر رعایت نمیشود. به این ترتیب اسرائیل مخالف های خود را از دایره سیاسی خارج کرده و آنها را به دنیای جنایی می سپارد.

چه اهمیتی دارد اگر جنگ باعث تعداد زیادی قربانی در میان افراد غیر نظامی شود زیرا تقصیر به گردن تروریست ها بی می افتد که «در پشت» بی گناه ها پنهان شده اند؛ چه اهمیت دارد اگر سلاح و وسیله های نا برابر به کار گرفته شود، مانند استفاده وسیع از تانک ها و به کار گرفتن متواتر هواپیما های شکاری، چرا که در هر صورت، این تروریست ها به هیچ چیز احترام نمی گذارند؛ چه اهمیت دارد اگر قواعد حقوق بشر زیر پا گذاشته شوند....

دست آخر، نابودی تروریسم، وسیله را توجیه می کند. به این نحو دشمن به حد یک حیوان وحشی تنزل میکند که نابودیش مشروعیت بیشتری می یابد چرا که «تهدیدی حیاتی» را شکل می دهد. در دسامبر ۲۰۰۸، یک سخنگوی ارتش اسرائیل در باره هدف های حمله به غزه چنین می گوید: «ما لانه های تروریسم را نابود می کنیم». چند روز بعد، در پاسخ تعداد زیاد قربانی ها، یک سخنگوی دولت میگوید: «آری.... اما این ها تروریست میباشند».

چگونه رادیکالیسم دامن زده میشود

با این منطق، اسرائیل، پی در پی، اقدام به کشتن ریبس ها، کادرها یا حتی طرفدار های ساده این سازمان ها می کند. مجازات مرگ در اسرائیل وجود ندارد اما سیاست قتل های مشخص از ده ها سال پیش اجرا می شود. در طول محاصره بیروت در ۱۹۸۲، عرفات از چندین سوء قصد رهایی یافت. در جریان انتفاضه اول، یک کماندوی اسرائیلی، خلیل الوزیر (ابو جهاد) - که تل آویو او را سازمان دهنده شورش سنگ پرانی ها می شناخت- را در آوریل ۱۹۸۸ به قتل رساند.

در طول انتفاضه دوم، صلاح شهادا، مسئول مهم حماس در غزه، در منزلش همراه خانواده و نزدیکانش با بمبی به وزن یک تن در ژوییه ۲۰۰۲ کشته شد (۶). دو سال بعد در مارس ۲۰۰۴، احمد یاسین، رهبر کاریزماتیک سازمان اسلامی، با یک راکت تکه پاره شد. چند هفته بعد، جانشین او، عبدالعزیز الرنتیسی به همان سرنوشت دچار شد.

این روش توسط اسرائیل ابداع نشده است؛ بلکه بخشی از سنت طولانی جنگه ای دولتها بی است که نمی خواهند مشروعیت مبارزه های بر علیه سلطه خود را برسمیت بشناسند، در رده اول میتوان از فرانسه در الجزیره نام برد. تعداد زیادی از رهبر های جبهه ملی آزادی بخش (ا.ف.ال.ان) در نهران کشته شده اند، چون «لاری بن مهدی»، که در مزرعه ای در حاشیه شهر الجزیره توسط کاپیتان پل اوسارس (۷) به دار کشیده شد. تصور میشود به این نحو میتوان هر نوع مقاومتی را خفه کرد تا زمانی که مجبور

شدند بپذیرند که تنها راه خروج از درگیری مذاکره و پذیرش حق دیگری است، چنانچه در «اویان» در ۱۹۶۲ و در «اسلو» در ۱۹۹۳ البته در شرایطی متفاوت صورت گرفت.

در حالی که هیچ کشور عرب موجودیت اسرائیل را تهدید نمی کند، سیاستمدارها و نظامی های اسرائیل هر چه بیشتر به خشونت متوسل میشوند. به نوبت باید سازمان آزادی بخش فلسطین را در ۱۹۸۲ خرد کرد، مقاومت فلسطینی ها را در ۲۰۰۲ نابود کرد، حزب الله را در ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ و سپس حماس را در ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تضعیف یا از میان برداشت. نه تنها هیچ یک از این هدف ها به نتیجه نرسید حتی هر بار مشکل سیاسی که به ظاهر سعی در حل آن میشد پیچیده تر شد، چرا که هجوم باعث تقویت سازمانی که سعی دراز هم پاشاندن آن شده گردیده یا گروه ها را رادیکال تر کرده است.

این تقابل بالا رونده از خود هجوم ناشی میشود: موقعیت مقاومت را تقویت میکند، مقاومتی که مورد تهاجم ارتشی فوق مدرن و بسیار مجهز قرار گرفته است. به همان نسبت که میتوان یک گروه تروریستی فاقد پایگاه اجتماعی قوی را از بین برد، به همان نسبت نابود کردن سازمانی که از نظر مردم خود یا بخش مهمی از این مردم مقاومت شناخته میشود غیر ممکن می باشد. پایگاه این سازمان ها توسط انتخابات بر گزار شده در فلسطین و لبنان چه در مورد «فتح»، حماس یا حزب الله تایید شده است.

در ۲۰۰۶، در لبنان، اسرائیل به حدی این داده ها را کم ارزیابی کرده بود که شکست تنها چند روز پس از آغاز حمله آشکار شد: حزب الله به پرتاب موشک ادامه می داد، در مقابل حمله زمینی مقاومت میکرد در حالی که سرباز های اسیر، یافته نشدند. به سرعت حزب شیعی به صورت یک سازمان موثر، به خوبی تعلیم دیده، با سلاح های به حد کافی پیش رفته برای نفوذ به عمق خاک دشمن و برای نابود کردن ده ها تانک «مرکاوا» ظاهر شد. به اضافه، این حزب به احترام عظیمی در لبنان و جهان اسلام دست یافت. و به پشتیبانی مالی ایران و حمایت سوریه، این سازمان توانست از نظر نظامی خود را باز سازی کرده و به ایفای نقش محوری در زندگی سیاسی لبنان ادامه دهد.

مرگ یکی از پیشکسوتان سینمای ایران در سکوت

نعمت حقیقی، فیلم بردار با سابقه و پیشکسوت که مدتی بود دچار عارضه قلبی شده بود، شب گذشته، هشتم اردیبهشت در گذشت.

نعمت حقیقی متولد 1318 بود. در سال چهارم دبیرستان تحصیل را برای همیشه رها کرد و موقعی که فرخ غفاری فیلم جنوب شهر را می ساخت به عنوان کمک فیلمبردار استخدام شد.

جلسات نمایش کانون فیلم که به همت غفاری برگزار می شد باعث آشنایی او با پاره ای از فیلم های مهم تاریخ سینمای جهان شد. در چنین وضعی با کمک و موافقت غفاری تاریخ خانه کوچکی در ایران نما دایر کرد و به طور حرفه ای به کار عکاسی مشغول شد. که گاه با دوربین فیلمبرداری نماهای کوتاهی می گرفت و یا عکس های گرفته شده را در تانک عکاسی ظاهر و با آگراندیسمان چاپ می کرد.

در نیمه اول دهه 1340 ساخت تعدادی فیلم تبلیغاتی از نوشتن طرح تا فیلمبرداری تدوین و صداگذاری به حقیقی محول شد. پس از تأسیس تلویزیون به توصیه غفاری فعالیت حقیقی در تلویزیون متمرکز شد. کار در تلویزیون، حقیقی را از فضای ناسالم سینما و جو نامطلوبی که آن را احاطه کرده بود دور کرد. حقیقی بر این عقیده بود که اگر در آن زمان وارد سینمای ایران می شد، به طور قطع به سلک همان فیلمبردارانی می پیوست که سینمای ایران آنها را هرز برده است.

حقیقی معتقد بود در یک فیلم، اصل اساسی این است که فیلمبردار و کارگردان با یکدیگر تفاهم داشته باشند و روحیه یکدیگر را بشناسند، فقط در چنین حالتی است که از نتیجه همکاری رضایت خواهند داشت؛ در غیر این صورت فیلمبردار به وسیله ای مکانیکی بدل خواهد شد که وظیفه اش فقط گرفتن یک مجموعه عکس است.

گوزن ها، داش اکل، بلوچ، خاک، غزل، دشنه، تنگسیر، شازده ا حتجاب، سفیر، دزد عروسک ها، عروس، ناصرالدین شاه آکتور سینما، روز فرشته، معجزه خنده، فصل پنجم، جهان پهلوان تختی و شوکران از جمله آثار وی بودند. مهر 9 اردیبهشت 1389